

امید

د امریکانځه

\$1.50

مشرته نامه مردم افغانستان

شماره هژدهم / سال بیست و سوم / چهارشنبه ۱۵ دلو ۱۳۹۳ / ۴ فبروری ۲۰۱۵ / شماره مسلسل ۹۹۱

ای کاروان روز وشب اندک پړان سوی عقب
کودک شوم بازی کنم مستی و طنازی کنم
در پای کهسار وطن در ارغوان زار وطن
نی شام ماند نی سحر نی غم ماند نی شرر
شادروان استادسخن خلیل الله خلیلی رحمه الله علیه

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه
واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع
میوه های فصل، نان های تازه وطنی،
روت ها، میوه های خشک تازه وارد
ازافغانستان، وگوشهای تازه مرغ،
بره، گوسفند، گوساله و گاو را با
بهای مناسبیت تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

هشت نامزدوزیر و نامزد اداره امنیت ملی رای اعتماد گرفتند

۲۸ جنوری/کابل-باجتر:ولسی جر که امروز به هشت نامزد وزیر و نامزد اداره امنیت ملی رای اعتماد داده وده نامزد وزیر دیگر را رد کرد. و کلا درحالیکه نصاب مجلس به ۲۴۳ نفر میرسید، رای اعتماد را به ۱۸ نامزدوزیر و نامزد ریاست عمومی امنیت ملی به صندوق ریختند متکی به آرای نمایندگان مردم، رحمت الله نیل با ۱۵۴ رای تأیید، ۵۸ رای رد، ۲۲ رای سفید، سه رای باطل به حیث رئیس عمومی امنیت ملی انتخاب شد. شیرمحمد کریمی با ۹۱ رای تأیید نتوانست پست وزارت دفاع را از آن خود سازد، او ۱۱۲ رای رد، ۲۶ رای سفید و ۷ رای باطل داشت. صلاح الدین ربانی با ۱۵۰ رای تأیید، ۷۰ رای مخالف، ۱۲ دوازده رای سفید و ۹ رای باطل به وزارت خارجه برگزیده شد.

نورالحق علومی با ۱۳۱ رای تأیید، ۹۱ رای رد، ۱۸ رای سفید و ۶ رای باطل به حیث وزیر داخله برگزیده شد، مگر سردار رحمان اوغلی که ۱۰۴ تأیید داشت نتوانست آراء لازم را برای احراز وزارت اقتصاد بدست آورد. او ۱۰۳ رای رد، ۲۷ رای سفید و ۹ رای باطل داشت. اکلیل حکیمی با کسب ۱۲۷ رای تأیید، ۷۶ رای رد، ۲۱ رای سفید و ۸ رای باطل به حیث وزیر مالیه انتخاب شد. فیروزالدین فیروز با ۱۷۰ تأیید، ۵۴ رای رد، ۱۲ رای سفید و ۴ رای باطل بحیث وزیر صحت عامه انتخاب شد. خاطره افغان با ۷۱ رای تأیید، ۱۴۶ رای رد، ۲۱ رای سفید و ۳ رای باطل نتوانست به وزارت تحصیلات عالی راه پیدا نماید. محمد گل زلمی بونسی با ۹۰ رای تأیید، ۲۳ رای رد، ۲۱ رای سفید و ۹ رای باطل نتوانست آراء لازم را برای پست وزارت معارف را بدست آورد. برناکریمی با ۱۱۵ رای تأیید، ۹۷ رای رد، ۲۶ رای سفید و ۵ رای باطل نتوانست وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی را بدست آورد. داکتر عباس بصیر با کسب ۸۵ رای تأیید، ۱۳۱ رای رد، ۱۹ رای سفید و ۸ رای باطل نتوانست وزیر فواید عامه شود.

سیدحسین عالمی بلخی توانست با ۱۳۴ رای تأیید، ۷۷ رای رد، ۱۷ رای سفید و ۵ رای باطل بحیث وزیر عودت مهاجرین برگزیده شود. داکتر داود شاه صبا برای وزارت معادن و پترولیم ۱۴۶ رای بدست آورد و مورد تأیید قرار گرفت، او ۷۴ رای رد، ۱۳ رای سفید و ۱۰ رای باطل داشت. نصیراحمد درانی با ۱۴۵ رای تأیید، ۷۱ رای رد، ۱۹ رای سفید و ۵ پنج رای باطل نتوانست بعنوان وزیر انکشاف دهات مورد تأیید قرار گیرد، درحالیکه انجنیر عبدالرحمن صلاحی با ۱۰۶ رای تأیید، ۱۰۹ رای رد نتوانست مورد تأیید قرار گیرد واز رسیدن به کرسی وزارت انرژی و آب بازماند. او ۲۴ رای سفید و ۴ رای باطل داشت. سردار محمد رحیمی که برای وزارت تجارت و صنایع نامزد شده بود نتوانست آراء لازم را بدست آورد، او ۱۱۱ رای تأیید، ۱۰۰ رای رد، ۲۰ رای سفید و ۹ رای باطل داشت، مگر فیض محمد عثمانی با ۱۶۰ رای تأیید، ۱۰۶ رای رد، ۱۲ رای سفید و ۵ رای باطل بعنوان وزیر حج و اوقاف مورد تأیید قرار گرفت.

فیض الله ذکی که به پست وزارت ترانسپورت نامزد شده بود با ۸۱ رای تأیید، ۱۳۳ رای رد، ۲۵ رای سفید و ۴ رای باطل نتوانست آراء لازم را بدست آورد. قمرالدین شینواری نامزدوزارت سرحدات و قبایل با ۱۰۲ رای تأیید، ۱۱۲ رای مخالف، ۲۲ رای سفید و ۷ رای باطل نتوانست آراء لازم را به دست آرد. از جمله هژده نامزد وزیر که شامل روند رای گیری شدند تنها هشت نفر آنها توانستند که رای اعتماد بدست آورند.

دراین میان داکتر فیروزالدین فیروز نامزد پست وزارت صحت عامه با ۱۷۰ رای در صدر جدول و خانم خاطره افغان با کسب ۷۱ رای در پائین جدول قرار دارند.

همچنان ولسی جر که در نشست امروزی خویش طرح بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۴ خورشیدی، تعدیل قانون رسانه های همگانی و تعدیل قانون مالیات را نیز تصویب کرد.

باجتم روندرایدی، تعطیلات زمستانی ولسی جر که نیز آغاز گردید.

هدایت الله رحمانی به رحمت حق پیوست



شادروان هدایت الله رحمانی بگراموال از شخصیت های فعال سیاسی و اجتماعی عمده افغانهای ساکن در ایالات متحده بود. شرح حال مرحومی در صفحات داخل درج است.

هلاکت ۴ پیمانکار امریکایی در حمله خودی

۳۰ جنوری/کابل-بی بی سی: در نتیجه یک «حمله خودی» در میدان هوایی نظامی کابل سه پیمانکار امریکایی کشته شدند. در این حمله که پنجشنبه شب ۹ دلو اتفاق افتاد مهاجم نیز کشته شد. مقام های افغان و امریکا جزئیات بیشتر در مورد ارائه نکرده اند. طالبان مسئولیت این حمله را پذیرفته اند.

حمله نیروهای افغان به سربازان خارجی درین کشور که حمله خودی نامگذاری شده، یکی از چالشهای بزرگ امنیتی برای نیرو های خارجی بوده است. نیروهای خارجی در عملیات علیه شورشیان با نیروهای امنیتی افغان همراهی میکردند. عاملان حملات خودی در گذشته بیشتر نظامیان خارجی را هدف قرار داده اند. از ۲۰۰۷ تاکنون بیش از صد سرباز ناتو در حملات خودی در افغانستان کشته شده اند.

در سال ۲۰۱۲، موارد «حمله های خودی» توسط افراد نظامی افغان علیه نظامیان محلی و یا خارجی به شدت افزایش داشت.

حادثه ترافیکی جان سی نفر را گرفت

۲۹ جنوری/زابل-بی بی سی: در نتیجه یک حادثه ترافیکی در ولایت زابل سی نفر کشته شده اند. این حادثه حوالی ظهر امروز در منطقه کاکراتو چینی در نزدیکی شهر قلات مرکز ولایت زابل در نتیجه برخورد یک ملی بس ۳۰۳ بابک تربلی در شاهراه کابل قندهار رخ داد. مسئول امنیت فرماندهی پلیس زابل میگوید در نتیجه این رویداد ۲۵ نفر نیز زخمی شدند.

بنابر آمار موجود از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ حدود ۳۵ هزار نفر در نتیجه حوادث ترافیکی در افغانستان جان خود را از دست داده اند.

بازداشت ۱۱ نفر بخاطر بلند کردن پرچم داعش

۲۸ جنوری/پروان-تلویزیون نور: مسئولان ولایت پروان میگویند: یازده تن که در ولسوالی بگرام پرچم سیاه داعش را بخاطر پیوستن به گروه داعش بلند کرده بودند توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. محمد معصوم فرزی فرمانده ولسوالی بگرام ولایت پروان گفت امنیت ملی کابل این یازده تن را که تاکنون چهره هایشان معلوم نیست از مناطق نیازی و جعفرخیل بازداشت کرده و معلوم نیست که تروریست بودند یا افراد عادی.

مشاور برجسته ومورد اطمینان شما در خریدوفروش املاک مسکونی وتجاری

با کارنامه درخشان در ورجینیا

سپیده فیروزی



Sepideh Firouzi
Realtor
Cell: 703-725-4457
sepideh@Inf.com
sepidehfirouzi.Inf.com



WORLDWIDE TRAVEL INC.



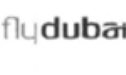
CHEAP AIR FARES TO

KABUL

FROM ALL U.S. CITIES

DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS



866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD

AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT

AF Insurance Group



(703) 348-6247

13044 Fair Lakes Shopping Center

Fairfax Virginia 22033

abdulfitrat@allstate.com

We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

دا کتر نوید پارسا

لیون -فرانسه

اشاره به چند مطلب مهم

✽ ازدید من تحولات صحنه سیاسی افغانستان بویژه بعد از ۲۰۰۱ این بوده که : هسّتهٔ متعصب پشتون در همنوایی با سیاست پا کستان و عربستان سعودی (پالیسی سازان جاهل عربستان سعودی تاجیکان را امردمانی می‌شمارند که به زبان رافضیان ایران صحبت می نمایند) به تضعیف تاجیکان آغاز نمودند. تاجیکان یگانه قومی درافغانستان میباشد که از لحاظ، فرهنگی، مذهبی و سیاسی حاکمیت پشتونی رامی تواند چلنج بدهد. اتحادهای متعدد سازمان داده شده بالوسيله تيم كرزى سالار و ديوانه سالارغنى حملدى درين راستا جهت داده شده است. گروه‌های پشتون متعصب به هيچ صورت قتل‌های کانتینری و دشت لیلی را فراموش نموده اند. اتحادکتیکی بادوستم ازین سیاست یعنی تضعیف تاجیکان آب میخورد. درصورت تضعیف تاجیک، برادران اوزبک و هزاره ما کمرشان شکسته میشود ولیه تیغ سر کوب پشتونهای متعصب (نه همه پشتونها) متوجه زباده خواهی های اوزبک و هزاره میگردد.

با تالسف منورين اين اقوام بیشتر به سفارشهای ترکیه، ازبکستان و عربستان سعودی ودر مواردی هم به ایران گوش میدهند تا اینکه منافع خود رامطابق سوابق تاریخی روابط بین الاقوام درافغانستان تشخیص دهند. تاجیکان اخوانی که در مکتب فکری اخوانیت واستنباط (امت اسلامی) ایدیولوژی زده شده اند، کمتر به بحث تباری علاقمند بودند. اما یگان نشانه هائی در درک حقایق قومی گاه گاهی به مشاهده میرسد. رأی نیاوردن فیض الله ذکی را که همیشه سخنگوی جنبش اسلامی دوستم بوده است ازین دید باید دید .

توهين به دانش توسط ديوانه سالار: ✽ اگر(ديوانه سالار) غنى احمدزى به معنى حاکميت قانون بپهلمد، بايد بنا بر اظهارات آقای زازى، امريگر د شخص منتم را بحيث راشی (رشوت دهنده) صادر کند. بهمين منوال کاندیدوزارت تحصيلات و همه وزراى که به جعل و تزوير اسناد پراخته اند مي بايد مورد تعقيب جزايى قرار گيرند. مشاور حقوقى که مانند آمر خود (هذب‌ان بزرگ منشى) دارد، نسبت سطحى نگرى، اهمال در اجراى وظايف و از وظيفه بر کنار گردد. افتضاح شرم آور وى ا بروى بزرگ درعدم بررسى دقيق شرايط معرفى اعضاى کابينه بالوسيله تيم تخنيکى حقوقى آیامستوليتى را به ميان مياورد؟ معرفى نمودن یک فرد فاقد تجربه وسوابق اکادميک دروزارت تحصيلات عالى توهينى به نهادهای تحصيلات عالى و استادان اين نهادها نمي باشد؟

غنى احمدزى با اين گزيشهابصورت بسيار دقيق (ديوانه سالارى) خود را بعد از صد روز ، با ادعا های بلند با لا ، به اثبات رسا نيد.

بزرگترین اشتباه تيم اصلاحات وهمگرای : ✽ بزرگترین اشتباه تيم اصلاحات و رهبرى اين تيم مخفى نگهداشتن جريان ملاکرات با تيم غنى در جريان بیشتر از سه ماه بود. رهبرى تيم بايد بصورت مستقيم و ياتلوىچى نام افرادى را که از ولايات جنوب غرب، شمال کابل وسایر ولايات برای مقام وزارت در نظر گرفته بودند و تيم غنى نپذيرفت بگو بنند. تا کيد يهيم درين مدت سه ماه برينکه بين ما هيچ اختلافى نيست، دروغ مصلحت آميز نبود، بلکه مظهر مخفى کارى و جن و ترس از صفوف وسيع پایگاه اجتماعى مردمى هواداران تيم اصلاحات وهم گراى بود. حال برای اعاده حيشث واعتبار خود اين تيم بايد ثابت کند که سر نوشت ملت رامردم تعيين ميکند، بامراجعه به صفوف از طريف اجتماعات و کنفرانسهاى مطبوعاتى برای مردم واقعيت را بگو یندورسم سياست تصميمگيرى در عقب درهاى بسته ومخفى کارى را بشکنند. اين تيم بايد بداند که مطابق توافق بين دو تيم، غنى نميتواند عقب قانون اساسى قرار گرفته وحق ويتو رابه خود منحصر بداند. هر دو تيم صلاحيتهاى مساويانه دارند، هيچکدام ازين دو تيم صلاحيتهاى مندرج رئيس دولت را به تنهايى اعمال کرده نميتوانند. هر فرمان و تقرر ايجاب تصميم مشترک و امضاى هر دو رهبر راميتواند. احمدزى بهيچ صورت در پاى فرامين به شمول فرامين تقرر عاليرتبه نظامى وملکى به تنهايى امضاء کرده نميتواند، بايد در پاى هر سندى دوامضاء باشد. مفهوم قدرت مساوى همين است.(رهبرى اصلاحات بايد بررسى کند که چرا مردم بصورت گسترده عکسهاى وى را پاره ميکنند. نمائنده هرات در مجلس گفت: ما عبدالله را در سفر وى به هرات گل باران نموديم حال ويرا سنگ باران ميکنيم. چرا چنين شد؟ چرا به ويتوى احمدزى وتيم او تسليم شد. وى حقوق و صلاحيت مساويانه با غنى احمدزى دارد و پاىگاه وسيع مردمى.)

هوشدار به اقوام عزيز افغانستان :

✽ يابايد واقعيتى را که کمتر از آن ياد ميشود متذکر شوم. در جنبش ضد اشغال شوروى همه اقوام با هم برابر و برابر کشور نقش داشتند. در جنبش ضد پنجابى وتبدیل افغانستان بچيث مستعمره پا کستان، رهبرى بدست تاجیکان بود، همه اقوام کشور بر محور اين رهبرى در مقاومت برضد پروژه پا کستان مقاومت نمودند. آقای دوستم دوبار قوم شريف اوزبک را با فرار خود به ترکيه تنها گذاشت، در حالیکه ميتوانست در کوهستانات سرپل برضد طالب-آى اس آى القاعده جنگ را ادامه دهد. از يئکه چگونه باهمکارى با طالبان مواضع دولت اسلامى آن زمان را بيماران مينمود تفصيلى نميدهم.

امروز نيز برنامه آى اس آى تغيير ننموده است. اکثر تب مطلق اردوى مى امروز متشکل از مردمان شمال، مرکز و غرب کشور هستند. انگيزه ضد طالبى در اين مردم زياد است، در حالیکه در شرق، جنوب وجنوب غرب تعداد داوطلبان به صفوف اردوى مى کم هستند ومردمان اين مناطق ياد بر خورد با طالبان و پنجايان بى تفاوت هستند ياز آنها حمايت ميکنند وحتى کلدار پا کستانى را نسبت به پول افغانى ترجيح ميدهند. همهٔ ما بچتهاى تلوزيونهارا مي بينيم، بيشتراز هشتاد درصد پشتونهای منور به نحوى از انحاء طالب طلب، مدافع طالب و ياتوجيه کئندهٔ اعمال طالب اند (بشمول برادر خواندن ومخالف سياسى خواندن طالب). در همچون شرايط برای تداوم تقويه روحيه ضد طالبى ما بايد در ارگانهاى امنيتى چهره هاى را داشته باشيم که اين روند مقاومت را انگيزه بدهد ومورال سر باران و افسران را تقويت کند. یک فکتور عمده را که (ديوانه سالار غنى احمد زى) فراموش نموده، اينست که ما در حال جنگ هستيم وبه چهره هاى درراس ارگانهاى امنيتى ضرورت داريم که موجب اعتماد افسران وتقويت روحيه آنها باشد. در جنگ تهور، تعهد وانگيزه نقش اساسى بازى مينمايد نه تخصص. به ياد بياوريد که چگونه مجاهدين بدون تخصص با فرا گرفتن فنون نظامى به شمول استعمال استنگر، اردوى تعليم ديده شوروى سابق را شکست دادند. مقاومتران قهرمان مى مسعود شهيد وفرمانده بسم الله خان برنامه کارشنانان آى اس آى را در فتح کامل کشور ختني نمودند . /

دا کتر احسان انتظار

مودستو – کالیفورنیا

دربارهٔ حکومت وحدت ملی

تقلب گسترده درانتخابات رياست جمهورى، کشور رابه بحران کشيد وبراى جلوگيرى از آن وميانجيجگرى امریکا، حکومت وحدت مى ايجادشد، که در آن اشرف غنى سمت رياست جمهورى وعبدالله عبدالله سمت رئيس اجرائيه رابعهده دارند، ومطابق موافقتنامهٔ کتبى بين هردو، کرسپهاى دولتى بايد مساويانه تقسيم شوند و کشور توسط هردو اداره شود.

معرفى کابينه ييش ازسه ماه را دربر گرفت. اين معطلى بى سابقه ناشى از اختلافات هردو رئيس در تقسيم کرسى هاوتنخاب اشخاص براى پر کردن آنها مي باشد. اگر مداخلهٔ وزير خارجهٔ ايلات متحده نيمى بود، ازين هم بيشتر به درازا ميکشيد. اگر معرفى کابينه اينقدر جنجال برانگيز باشد، مسايل مهمتر چون تعيين خط مشى، ستراژى و طرق بدست آوردن آن به ارتباط ايجاد صلح وامنيست، رفع بيکارى مزم، بهبود اقتصاد ورشکسته ومشکلات ديگر تاجه اندازه جنجال برانگيز تر ومشکلتر خواهد شد ؟

حقيقت امر اينست که دولت مى سابقهٔ تاريخى در کشور ندارد، ودر شرايط جامعهٔ افغانى سازگار نيست. وحدت مى درافغانستان وجود ندارد ونداشته است. اين کشور متشکل از مليتهاى مختلف پشتون، تاجيک، هزاره، اوزبک وغيره است، که هنوز ملت واحد نشده است. اگر وحدت مى وجود ميداشت، منافع عالياى کشور بر منافع شخصى، خانوادگى، قومى، مذهبى(شيعه اسنى)، سمنى وايدىالوژى (اسلام گراى/ جهادى/ سرمايه دارى/ سوسياليسى) ترجيح داده نيمى شد. اگر وحدت مى ميداشتيم، انتخابات دور دوم رياست جمهورى قومى نميشد، وتقلب گسترده صورت نيمى گرفت، اگر وحدت مى موجودمى بود، مظاهرات سر تاسرى درافغانستان بر عليه قلب گسترده وتعويق کابينه انجام ميشد، اگر وحدت مى ميداشتيم همهٔ افغانها درسراسر کشور عليه دخالت پا کستان و کشتار هزاران هم وطن مظاهرات برپا ميگرديد و …

به ارتباط وحدت مى شايد گفته شود که افغانها عليه انگليس در قرون ۱۹ و ۲۰ و عليه شوروى در قرن ۲۰ قيام کردند و آنها را شکست دادند، اما بايد گفت که اين قيام هابيشتر در دفاع از دين مقدس اسلام بوده تا دفاع از تماميت ارضى کشور. و حقيقت اينست که وحدت مى وقتى ايجاد ميشود که دولت ملتى – Nation State يکيه ميان آيد، يعنى مليت هاهمه يک ملت واحدميشوند. از همين کشورهاى جهان به دوسته تقسيم ميشوند: مى و غير مى Non - Nation - State دولت مى يک پديدهٔ غربى است که شرقى ها از آن اقتباس کرده اند. اولين کشور اسلامى که مبادرت به اين کار کرد ترکيه مصطفى کمال مشهور به اتاترک بود، که بعد از جنگ عمومى، اول دراوايل ۱۹۲۰ به خلافت اسلامى پايان داد، ودين را از دولت جدا کرد؛ قانون اساسى را تدوين نمود و پارلمان و حزب سياسى را تاسيس کرد. سپس رضاشاه در ايران و شاه امان الله در افغانستان به تقليد از ترکيه اقدام به پايه گذارى دولت کردند. رضاشاه تاحدى درين امر موفق شد، اما شاه امان الله تحت ويخت خود را از دست داد.

دولت مى در بعضى کشورها ريشهٔ عميق، در بعضى ديگر کم ريشه ودر بعضى هم هيچ ريشه ندارد. در ترکيه ريشه هاى دولت مى عميق است، از همين لحاظ ترکيه دمو کرات ترين کشور اسلامى در شرق ميانه است. در ايران نيز وحدت مى ريشه دارد، اما مثل ترکيه عميق نيست و کم ريشه مي باشد. از همين لحاظ انتخابات آن به پيمانهٔ انتخابات ترکيه شفاف وعادلا نه نيست. هيچکدام از کشور هاى عربى به استثنائى مصر، دولت مى ندارند، و همين ترتيب ممالک آسياى ميانه. در پا کستان نيز دولت مى ريشه ندارد، از همين لحاظ اگر مسألهٔ کشمير و افغانستان حل نشود، اين کشور تجزیه ميشود وحکومت نظامى آن، که ازين دو منبع تغذيه ميشود، نيز از بين ميرود.

دونکتهٔ ديگرا که به ارتباط دولت مى وغير مى بايد متذکر شد، اين است که کشورهاى پيشرفته اکثرا ادوات مى دارند وممالک در حال انکشاف اکثرا دولت غير مى. ديگراينکه از نگاه کلچر وفر هنگ دولتهاى مى فردى Individualistic ودولتهاى غير مى Collectivistic مي باشند. در کلچر فردى، افراد خود زندگى خود رارقم ميزنند، معمولاً در اين نوع فرهنگ هر فرد مسئول اعمال خود است. اما در کلچر هاى گروهى، افراد در خدمت گروه (خانواده، قوم، مذهب، سمت و غيره) قرار دارند. براى بقا ويشرفت خود متکى به گروه مي باشد .

تفاوتهاى ديگر دولت مى وغير مى در چه مي باشند؟ در يک دولت مى حاکميت قانون حکمفرماست، قانون بر همه شهروندان وبدون استثنا عملى ميگردد و فرقى نيمى کند که شهروند يک شخص عادى باشد يارئيس جمهور، هر شخص در برابر قانون مسئول مي باشد. اما بر عکس در يک دولت غير مى مثل افغانستان، عوض حاکميت قانون، (حاکميت حاکم) وجود دارد. دولتمردان و ديگراشخاص زورمند مافوق اند، قانون بيشتر بالاى ضغفا وطبقات محروم جامعه تطبيق ميشود. بنا بر همين نکته، درين سيزده سال اخير کدام وزير، کدام زورمند محاکمه شده است؟ افزون بر آن، دولتمردان قانون رابه نفع خوش ميسازند و اگر لازم باشد، قانون وضع شدهٔ خود را زير پا ميکنند. طور مثال، در قانون اساسى موجود سيستم رياستى راجادادند، در حالى که در شرايط افغانستان سيستم پارلمانى بهتر است. اينکار را کردند که قدرت حامد كرزى نزد يک به قدرت پادشاه باشد. بهمين ترتيب دولتمردان از قانون موضوعه تخلف ميکنند، طور مثال شاروال (شهردار) در قانون اساسى انتخابى است، اما كرزى شارواهارا انتصاب ميکرد، بر همين مبنا، حکومت وحدت مى بر افغانها قبولانده شد، در حالیکه مغاير قانون اساسى مي باشد .

تفاوت ديگر دولت مى وغير مى، تعادل قوهٔ سه گانهٔ مقننه، اجرائيه وقضائيه مي باشد. در دولت مکانيسمى وجود دارد که نيمى گذارد تعادل به سه قوه برهم بخورد، ويکى برديگرى تسلط حاصل کند. اين نظارت بيشتر توسط قوهٔ مقننه و مطبوعات آزاد صورت ميگيرد. اما در يک دولت غير مى معمولاً قوهٔ اجرائيه دو قوهٔ ديگرا تحت الشعاع قرار داده، قدرت بدست خود ميگيرد که منجر به ضعف قوه هاى مقننه وقضائيه ميشود، و کارى از آنها در مقابل قوهٔ اجرائيه ساخته نيمى شود. طور مثال، اگر ولسى جر که از کسى سلب اعتماد کند و رئيس اجرائيه مخالف آن باشد، شخص به وظيفهٔ خود به سمت سرپرست سالها ادامه ميدهد. عبدالله السلام عظيمى بعد از آنکه از طرف ولسى جر که سلب اعتماد شد، تا اخير دورهٔ حکومت كرزى به کار خود ادامه داد و در آخر هم نشان گرفت !

مشخصهٔ ديگر دولت مى شايبسته سالارىست، کار به اهل آن سپرده ميشود و اشخاص به اساس لياقت، کفايت، تعهد وشخصيت توظيف ميشود. (ص ششم)

پای دیوار آرزوها

جناب داکتر عبدالوهاب هادى، سابق استاد حقوق وعلوم سياسى دانشگاه کابل، ژورناليست وهمکار سابقه دار را ديوصداى امریکا، وعدهٔ ارسال مقالهٔ اندر باب اوضاع جارى کشور داده بودند، تا در اين شمارهٔ اميد انتشار يابد. اما نسبت کسانى که عايد حال شان گرديد، گفتارشان را توسط تلفون چنين بيان داشتند : آقای کوشان ازمن خواستيد تاجيزى بنويسم، چون مريض هستم، وقت شماراز يادنگرفته، مطلبى چند تحت عنوان (ديوار آرزوها) مى گويم. چرا ديوار آرزوها؟ يکى از شعرهاى بسيار غمگينى که ماوشما از خردى ها تا امروز شنيده ايم اين بوده : زندگى چيست؟ خون دل خوردن/ پاى ديوار آرزو مردن !

ديوار آرزوها درافغانستان امروز پيش من، طور يک در آخرين نوشتهٔ خود که به اميدعزيز براى نشر فرستادم، بحث برسر قانون اساسى افغانستان بود، که در شمارهٔ ۹۸۹ مورخ ۷ جنورى چاپ شد. در اين بيکره مثلى که به حضرت موسى، خداوند امر داد والهام کرد وحکم صادر فرمود، آتשהاى از احکام ثبت شد در بيکرة سنگى يکى دو ديوار آرزو ها، سنگهاىی که موسى را قادر به هدايت ميساخت. ديوار آرزوهاى افغانستان، ديوار آرزوهاى پيش از دوميليون کشتهٔ افغانستان است که با مرگ شان اين آرزوهاى خود را بدست باد دادند، و اين باد آمد و در بيکرةٔ سنگى که نامش را ديوار آرزوها ماندم، کويده شد. صرف نظر از تاريخ بسيار پريشان حال ماوشما که بيشتر از آن هم بود، اما هر بار از يکصدسال پيش آرزوهاى عميق مردم، از وقت اعليحضرت امان الله خان در نظامنامه هاى وقت، در تعديلاتى که در قانون اساسى آمد، بارز بهماى گوناگونى که پشت هم آمدند، قوانين اساسى، يعنى ديوارهاى آرزوها يکى بعد ديگر درسرمين افغانستانى که در شاهراه تهاجمات قرار دارد و گوياز پنج هزار سال از آن رنج برده، ثبت شده رفت، چرا؟ تابعدى ها، افراد و بازماندگان افغان بداند که اگر ديگران مردند، آرزوهاى خود را حوالهٔ ديوار کردند، وبروى اسناد بسيار قائم نام آن (قانون اساسى) گذاشته شد.

حکومت موجودهٔ افغانستان، نميدانم متوجهٔ اهميت تاريخى اين مسأله هست يانيست، اساساً ميخواهم از دو رهبر افغانستان پيرسم که چرا شمابيش از يئکه در نقش دوسياستمدار خود را جلوه بدهيد ومعرفى بکنيد، چرا خود را بحيث دو شاگرد علم وانسانهاىی که واقعاً رنج ديگران را در ناگفته هايشان ديده ودر چشم هاى شان ديده ايد و از صداهاى خاموش شان شنيده ايد، چرا خود را در آن نقش نشان نداديد و چرا قانون اساسى را در انتخابات بروى مردم نکشيديد و نگفتيد بر روى همين قانون اساسى، من وفادارى خود را به خدمت به افغانستان عزيز به شما پيش ميکم. چرا بر قانون اساسى يک پردهٔ تا ربک انداختيد وبه مردم نشان داديد که شما ديوار آرزوها ياقانون اساسى نداريد! گفتيد اين منم آقای داکتر عبدالله عبدالله واين منم آقای داکتر محمد اشرف احمدزى که ميخواهم به شما يک چيزى بدهيم ! تخير، ديوار آرزوها وقانون اساسى افغانستان است که به شما دوفر وبه آيندگان اجازه ميدهد تا به آنچه در قانون اساسى آمده، عمل بکنيد. يعنى چه؟ شما موقع يافتيد، به شما فرصت داده شد تا به روى قانون اساسى از حرکت اول تا به آخر خود بايد پايند باشيد به ديوار آرزوها ياقانون اساسى وطبق آن عمل بکنيد. انتخابات شما انتخابات نبود ! در قانون اساسى افغانستان در يث دولت واضحأ مي بينيد که حکومت را ملت ميسازد، حکومت بايد براى يک سلسله اهداف ساخته شود، واينها درجه بندى شده، مادهٔ يک، مادهٔ دو، مادهٔ سه، وبالاخره در مادهٔ چهار ميگويد که حاکميت مى در افغانستان متعلق به ملت افغانستان است، که تمثيل ميشود مستقيماً از طريق نمايندگان انتخاب شدهٔ مردم افغانستان. بعهده مادهٔ ششم برويد دولت مکلف است يک جامعهٔ مترقى ورويه انکشاف را تشکيل بدهد که مبتنى بر عدالت اجتماعى، حفظ وقار و کرامت بشرى، حمايتٔ حقوق بشرى، کسب اصول دمو کراسى، نيل به وحدت مى وهکذا نيل به تساوى در بين جميع مردمان وطوائف وقبايل، وانکشاف متوازن همه ساحات افغانستان. چرا بر سر قبايل کمى مکث کردم؟ منظورم اشاره ايست به قبايل افغانى ما که بالواسطهٔ معاهدهٔ منحوس ديورند بر سر قبايل افغانستان تحميل شده، وقتى نام از قبايل برده ميشود، بيشتر مردمان شرق جنوب شرق وجنوب غرب افغانستان است که حکومتهاى افغانستان وظيفهٔ حراست از آنرا دارند .

چرا حکومت وحدت مى ما وقتى تشکيل شد، تعيين کابينه اش اينهمه معطل ماند؟ آقا يان داکتر عبدالله واحمدزى که به شما اعتماد داشتم ودارم، در سى و پنج سال جهاد ومقاومت مردم داشتندو زحمت ها ديئند، وشخصيتهاى مثل احمد شاه مسعود مرحوم داشتند، آقای شيرزى رادر قندهار داشتند وحاجى لطيف، انور نورستانى، اسماعيل بلخى، آقا يان مزارى وخيلى، اينها همه کشته ها داده اند، ما اين دو جوان تحصيلافتهٔ ما هميش مسلح نبودند، داکتر عبدالله مشاور سياسى مرحوم مسعود بود، ومن در صداى امر يکا تعقيب ميکردم، کمتر به جنگ ميرفتند وبيشتر فکر ميکردند، لذا نکتهٔ که من به آن علاقه دارم در مورد ايشان صدق ميکند، يعنى چه؟ يعنى فکر ميکردند به قدمه هاى بعدى وبه مراحل بعد از جنگ درافغانستان. آقای احمدزى انسانى که مثل همه مصلولين افغان نى بلکه با يک امتيازى که هم از نظر عقلى و هم از نظر مساعدت فامبلى که داشتند، عمر شان در خارج تير شد، عمر شان در کتابخانه ها وديدن دمو کراسپها تير شده، حالا اينها هردو ادعا ميکنند که ما بسيار وقت گر فتم براى اينکه فرز انگان را بياوريم، خوب، اين مطلبى بود که بايد روزا ول به مردم ميگفتيد، در حالیکه هردو مجهز در صحنهٔ جنگى سياسى کشور زياده ميشديد.

داکتر عبدالله از وظيفهٔ آقای احمد شاه مسعود در جهاد بود، بايد در بى تشکيل حزب سياسى ويک سازماندهى سياسى با يک ايدلوژى معقول برنامهٔ کارى درست در ساحات سياسى، اقتصادى واجتماعى مى بود. امروز به ايشان خطاب ميکنم وقتى در صداى امر يکا بودم، آيا به خودشان با همين کلمات نگفتم که به آقای مسعود بگو ييد حالا که طالبان کابل را گرفته اند، ومردم کابل مظاهرهٔ به طرفدارى شما نکردند، وياران بسيار نزديک تان ومردم يبحارهٔ شمالى که در گرفتند با سوخانندهاى طالها، روا نهٔ درهٔ پنجشير شدند، شما متوجه شديد که در برنامهٔ فر داى خود هيچ چيز نداريد. جر شما تا حال دربارهٔ يک حزب فکر نکرديد، چرا به آقای مسعود نگفتيد که بساز حزبى، بساز ايد يولوژى اى، بساز بساز بساز چيزى که در فر داى جنگ به در دافغانستان بخورد. وشما آقای عبدالله در جمعيتى از ديار تمثت جنوب وجنوب شرق آسيا، که من در آنجا کار ميکردم، شما بمن گفتيد آقای داکتر هادى، من کپهاى شما را به آقای مسعود(دنيا به در صحنهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم مى کند :

داکتر عزيز غوثى : تاريخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدير مسئول : محمد قوی کوشان



معرفی دو کتاب

درین هفته به معرفی دو اثرمیردازم، اولی ازشادروان محمدابراهیم عقیفی، و دومی ازداکترسیدمخدوم رهین. عنوان اول (پیغام جاودان) است، که مجموعهٔ ازمقالات نویسنده و مطبوعاتی نامدار و سابقه دار کشور، که تا ز گیدر۲۷۵ صفحه بااهتمام محترم نصیر مهرین و همکاری فریده عقیفی ابوی، درنبیاد(شاهنامه) درهالند به چاپ رسیده، و هفتهٔ پیش ازدست کوشان عزیزبدستم رسید.



شادروان محمدابراهیم عقیفی نصیر مهرین دربخش سخن مهتمم نوشته :(برگاهی را نویسندهٔ گرامی خوانش میگیرید، سال پراعضای خانوادهٔ شادروان محمد ابراهیم عقیفی، ازطریق بانوی ارجمند فریده عقیفی ابوی دراختیارمن گذاشت. در ترتیب نبشته یا بیشتر یونددرونی موضوعات مطمح نظر من بوده است. شایان یادآورست سالهایپیش هنگامیکه شادروان عقیفی حیات داشت ومینوشت، چندین نبشته از ایشان راخوانده و یادداشتهایی هم برداشته بودم . هنگامیکه متن کنونی رادیدم، باردگر به ذخایر اطلاعاتی شخصیت روز گاردیده یی متوجه شدم که عمری رادر سفر ودوستی باقلم و آشنایی با کسان بسیاری سپری نموده است. چنان روز گاریکه در کلیت فرآوردهای قلمی ایشان باز تاب دارد. اینست که در مقالات شان خاطره نگاری، سفرنامه نویسی، تصویرگری شخصیتها چهره نموده است. خواننده متوجه میشود نویسنده حین باز آوری خاطرات سفر خود دست اورا میگیرد و به جوابت مختلف زندگی اجتماعی مردم محل آشنامیسازد.بنگریم : (درمحل سکونت اهالی که میرسیدیم، مرد وزن وصغیرو کبیر، در طول راه ایستاده می شدند. تقریبا همه برهنه و پای لچ و سربچ بودند، در چشم بعض اطفال رنگ قرمز برای علاج وطنی انداخته بودند، مثل آن بود که از مغاره هابر آمده باشند، کسی تصور نمی توانست که مردم به این اندازه فقیر ومحتاج باشند...) وبعد افزوده اند: (چقدر جای حسرت و تأسف است که مافرنها در تحت نفوذ رژیم های زندگی کرده ایم که استبداد مطلق بوده است.)

درصفحهٔ هفتم کتاب مرحوم عقیفی، پسرارشدهش محمداسحاق عقیفی چند مصرع اشعر شیوای پدر مرحوم خویش را یادآور شده، میگوید این اشعار مورد علاقهٔ پدر بزرگوار ما بوده و آخرین یادگار دستنویس شان میباشد، که پیش از وفات خویش نوشته وبه یاد گار مانده است :

پیرانه سرهای سعادت به من رسید وقت زوال سایهٔ دولت به من رسید شدمهربان سپهر به من آخر حیات دروقت صبح خواب فراغت به من رسید دوست نهایت عزیزم استاددا کتر عنایت الله شهرانی راجع به کتاب مرحوم عقیفی نگاشته اند: (... شادروان عقیفی همان عقیفی است که نویسدنگی رازز سنین کمتر از بیست آغاز و تادم واپسین دوام داد، والحق که بیش از هزار مقاله را بدون نام، به نامهای مستعار وبه اسم اصلی خویش نوشت، وجمله نوشته هایش از اندیشه های عالی او نا بنمایدگی میکند. آن بزرگمرد افغانستان و آن چهرهٔ شناخته شده را، نگارنده بار بار دراسلام آباد زیارت نمود و از گفتار وعقاید و اندیشه هایش آموخت ... در تمام منتهای مقاله هایش، جناب مرحوم استاد عقیفی ازاصلاح جامعه، بهبودجامعه و بهبود اجتماعی، طرز اقتصاد، طرز زراعت، همچنان از فلاسفه، ادبا، مخترعین، علمای بزرگ و سیاستمدارها یاد می کند و از نظریات آتهابه جامعه چه در مفادوجه در مضار خبر میدهد. گرچه کتاب(پیغام جاودان) مجموعهٔ یکن تعداد محدود مقالات شادروان عقیفی میباشد و در نظر ها کوچک نمایان می گردد، مگر هر کدام مقاله ونه نوشته عالمی از معلومات رادر بردارد. در بعض مقالات جناب شادروان عقیفی معلومات دقیقی را چون اولین موسسهٔ بانک ملی وعکس العملهای حکومت در مقابل موسسات ملکی واتحصار مکاتب در افغانستان درمی یابیم و از فحوی گفتارش چنین استنباط میگردد که حکومت دورهٔ نادر شاه خان تا ولادهٔ او همه مسایل به زیر کنترل شان بوده وبه مردم هیچگونه حق آزادی در آن خصوص داده نمی شد .)

اینک از جملهٔ صدها مقالهٔ روشنگر و پرمحتوای مرحوم عقیفی، مضمونی را تحت عنوان(رهبری زنان در اجتماعات امروزی) به شما ارائه میدهم : (آن کدام فکراست که جریانات حوادث در افغانستان امروزه وبالاخصه کابل عزیزش را پریشان و نگران نساخته باشد؟ آنچه سرنوشت وتقديرشوم است که دچار ما شده، همین که وطن یک کمی شور میخورد وبراه صلاح وسواد قدم میردard، میبینی که ناگهان حادثهٔ شومی پیش می آید و تمام آنچه را که در طول سالها بافته ورشته ایم پنبه میکند. فکر میگردیم حالا که قانون اساسی مترقی باقیمم وحکومت رامشروطه ساختیم واعلان دمو کراسی نمودیم، دیگر مردم ماچه میخواهند. ابواب کاروشغل بر روی همه باز است. اکنون وقت آن رسیده که همه طبقات تن به ابراز ایاقبت و کارجدی داده مملکت راز ننگ انحطاط و ارتجاع و پسماندگی نجات بدهند.

امامهمه غافل بودیم که دیو ارتجاع واهر یمن نکبت و ادبار در کمین ماست، و این دفعه چنان مارا بر زمین میزند وبه قعر اسفل السافلین فرو میاندازد، که دیگری امیدوی به فلاح باقی نمی ماند ! گو یا کودتای داوودی که بود و باز کودتای خلقی وپرچمی هم کم بود که به فلاکهای ملایی و آخندی به گیر افتادیم، گو یا آت هم کم بود که بالاخره به سقوط طالبان گیر افتادیم. سقوط وانحطاط هم باید حدی داشته باشد، امانه به این درجه که صد کار فرض وحول ومهم وحتمی را گذاشته و به جزییات بیردازد، وخود را از درک مصایب ومشکلات روزمرهٔ مردم که با آن گرفتارند، به در اغفال واغماض عین میزنند... راجع به پیشرفت وموقعیت زنان در رهبری وریاست اجتماعی مضمونی به نظم خورده که آنرا تقدیم می دارم، و بیش از آن به این خبر کارنامهٔ طالبان توجه فرمایید. روزنامهٔ مرکبوری نیوز در شمارهٔ ۱۷جنوری خود به حوالهٔ آژانس رویتر مینگارد : (ملیشای طالبان خانمی رادر بازار به جرم اینکه پاهایش لچ بود، باقیمچین درشت در محضر عرام زدند. اکثر طالبان از مناطق جنوبی آمده بودند. هفتهٔ گذشته تعلیم نامهٔ نشر کرده اند که مردم در انتای ماه رمضان چگونه باید رفتار کنند. این تعلیمنامه از طرف شعبهٔ(تشویق فضیلت وبرطرف کردن رذیلت) صادر شده به خانها اختصار داده شده که بدون علت از خانه های خود بدر نشوند و چون از خانه بدر میشوند باتمام

اندام خود را با تاقاب پیوشانند، به بازارها و پارکها قدم نزنند. خانم ها از کار در ادارات منع شده ومکاتب همه بسته شده، به جرم قتل اعدام و یکصد دره ضرب، وبرای دزدی متاع قلیل قطع دست تطبیق میشود...)

در اخیر این معرفی مختصر مجموعهٔ مقالات پرمطلب وبرانتباه مرحوم محمد ابراهیم عقیفی، که اکثریت آن در همین هفته نامهٔ امید چاپ رسیده و آن مرحومی تاماهاهای اخیر حیات به همکاری قلمی با امید ادامه دادند، روح شانرا در پناه رحمت ایزدی شادمیخواهم .

کتاب دوم (پیوندهای افغانستان و هند در امتداد زمان) :

این اثر که بطور یک رسالهٔ پرمحتوا به دوزبان فارسی دری وانگلیسی با پژوهش داکتر رهین به رشتهٔ تحریر آمده، ذریعهٔ بانوی فرزانه جمیله جان رهین، همسر عزیزدا کتر رهین، بدستم رسید. این اثر علایق و ارتباطات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی رایین دو کشور دوست قارهٔ آسیا، افغانستان وهندوستان، با ذکر اسناد معتبر تاریخی باشیوهٔ دلپذیر تبارز میدهد. کتاب با تقریظ پرمحتوای به زبان پشتو توسط پوهنوال داکتر عبدالخالق آغاز شده، وسپس نویسندهٔ فراز نه ودانشمند داکتر سیدمخدوم رهین که مدتی منحیت سفیر کیبیر افغانستان در هنداجرای وظیفه میکرد، معلومات پژوهشی مفصل راجع به پیوندهای دو کشور ارائه کرده، ونگاشته است :

(پیشینهٔ روابط افغانستان وهند به سر آغاز تاریخ میرسد، به زمانیکه آریایی هائی یک مهاجرت گسترده به آریانا یا افغانستان امروز واز آن طریق بسمت هندوستان سرازیر شدند. همزمان بارواج زبان اوستایی در آریانا که مرکز آن شهر بلخ بود، در هندوستان زبان سانسکریت که با اوستا از یک ریشه بود بکار میرفت. با ورود دین بودایی به افغانستان، با آریانای کهن، و رواج یافتن آن در کنار دین زردشت که دین بومی مردم افغانستان بود، فصل تازهٔ در روابط ماباز شد. حضور آشوکا فرمانروای مشهور هند رادر سنگنبشتهٔ قندهار می توان دید. در عرصوی آئین بودا در افغانستان از اهمیت خاص برخوردار شد و در عرص فرمانروایی کششکا به اوج خود رسید . از قرن اول میلادی کابل مرکز بزرگ تجارت منطقه بود و کالاهای پیداوار هندوستان از طریق کابل به شرق وغرب فرستاده میشد. درین عصر نه تنها کالا واجناس تجارتی هند ازراه افغانستان امروزه به شرق و غرب میرفت، بلکه انتقال فرهنگ هندی هم به سایر مناطق ازین راه صورت میگرفت. چنانکه دین بودایی نیز از طریق افغانستان به چین رفت وبعد از چین به جاپان و کوریا رسید. در این عصر است که راه ابرشم شرق وغرب جهان راهیم می پیوندند وسرزمین آریانا یا افغانستان آزمان مرکز اتصال ملل مختلف بهم است. ظهور کوشانی ها و مهاجرت شان از آسیای مرکزی به افغانستان آزمان وبعد فو حات آنان در هند سبب انتقال فرهنگ ومدنیتی که متأثر از تمدنهای یونان آسیای مرکزی وبقایای اثرات هخامنشی ها بود، به هند گردید...)

از قرن ششم تا پایان قرن ۱۸م افغانستان به نام خراسان یاد میشدو امتزاج فرهنگ وتمدن خراسان وهند سیب آفرینش آثار فراوان فرهنگی در عرصه های مختلف شده است. تقریبا همه فاتحان مسلمان وخانواده هایی که در هند بنیاد سلطنتهای مختلفی را گذاشتند، از افغانستان یا خراسان دورهٔ اسلامی به هند آمده اند. همراه با ورود این فاتحان وبعدا در سایهٔ حمایت سلطنتهای که آنان در هند تأسیس کردند، دادوستدهای بزرگ فکری وفرهنگی میان دو کشور خراسان وهندوستان صورت گرفت . در قرن هشتم م خانوادهٔ برمکی که پدران شان متولیان معبد مشهور نو بهار بلخ بودند، وبعد ها خودشان در دستگاه خلافت عباسی در بغداد به قدرت رسیدند، در انتقال فرهنگ هندی به دیار غرب کوشیدند و ترجمهٔ کتب وآثار از سانسکریت به عربی مخصوصا در طب بر اثر توجهٔ ایشان صورت گرفت، و درشفاحانهٔ که در بغداد تأسیس کردند، طبهای هندی را استخدام نمودند. اولین ترجمهٔ که از زبان سانسکریت به زبان فارسی صورت گرفت از طبیبی هندی بنام شانااق است، که به دستور یحی برمکی بوسیلهٔ ابو حاتم بلخی ودانشمند هندی بنام منکه انجام یافت. بعدها ترجمه های کتاب مشهور کلبله ودمنه تأثیر ماندگار در ادبیات دری گذاشت ...)

در قسمت دیگر، داکتر رهین راجع به گسترش صوفیه در هند بامساعی صوفیان افغانستان مطالب ذیل را ارائه میدهند: (مقارن حملهٔ چنگیز و ویرانی وتباهی و قتل عام در شهرهای خراسان چون بلخ وهرات و غزنه وامثال آن، موج بزرگی از مهاجرین ازین شهرها بسوی هندوستان سرازیر شدند و در میان این مهاجران تعداد زیادی از علما و دانشمندان ونویسندگان نیز بودند که از آن جمله است منهاج السراج جوزجانی صاحب کتاب تاریخ طبقات ناصری و جمال الدین محمد شاعر دربار ملوک غور، محمد بن منصور مبارکشاه مشهور به فخر مدبر غزنوی مولف کتاب آداب الحرب والشجاعه در فن حرب و نبرد که بامهاجرت شان به هند وسیلهٔ بیشتر انتقال فرهنگ وتمدن خراسانی به این سرزمین شدند.

ورود مشایخ صوفیه از افغانستان آتروز به هند فصل بسیار مهمی در تاریخ روابط ایندو کشور است. باید گفت که در قرون اول هجری خراسان دارای مراکز بزرگ صوفیه بود، بطور مثال از شهر بلخ که در دوره های پیش از اسلام شهر مورد احترام نزد بوداییان وزردشتیان بود، و پرتشگاه نوهار بلخ شهرت در همهٔ منطقه داشت، صوفیان نامداری چون ابراهیم ادهم، احمد خضرویه، شفیق بلخی وامثال آنان برخاستند وخانقاه ها و مراکز عطف و تذکیر به کثرت در بلخ و دیگر شهرهای خراسان دیده میشد. تعدادی ازین صوفیان نامدار خراسان به هند کوچیدند ودر این سرزمین صلح وصفا ومعنویت، به تبلیغ افکار وتعلیم خود پرداختند. نخستین صوفی نامدار خراسانی که نقش مهم در معرفی فرقه های صوفیه ودر تألیف کتب تذکرهٔ صوفیان بعد از خودش داشت، علی بن عثمان هجویری غزنوی بود، که درروستای هجویر در غزنی بدنیا آمد ودر دورهٔ سلطنت غزنوی در لاهور اقامت گزید ودر همان شهر وفات کرد. وی مولف کتاب بسیار مهمی در تصوف بزبان فارسی بنام کشف المحجوب است، کشف المحجوب بر صوفیان وآثار صوفیانه ایشان در هند و افغانستان و دیگر محققان تصوف تأثیر بزرگی داشته است. آرامگاه هجویری غزنوی در لاهور بنا دادا گنج بخش زیارتگاه پرشکوهی است .)

قسمت اخیر این معرفی مختصرا اثر پیر گهر داکتر رهین عزیز را با آرزوی صحت وسعادت وپژوهشهای ادبی بیشترش، با ذکر این مطلب رنگین خاتمه میدهم : (ادباء وشعرای خراسانی که در هند بسر می بردند، به هندوستان وطبیعت ومردم آن عشق میورزیدند، از جملهٔ عاشقان هند یکی امیر خسرو بود، او هند راسرزمین مادری وبهشت آسایش خود میخواند و آنرا بهتر از همه سرزمین هادانسته میگفت زمستان هند بهتر از زمستان شدید خراسان است... امیر خسرو عقیده دارد که سرود هند در جهان نظیر ندارد، نغمهٔ هندی دل را به شور می آورد وبر انسان وحیوان اثر میگذارد. او شهامت زن هندو را که پس از مرگ شوهر آماده است به کام آتش برود، می ستاید و میگوید :

شیوهٔ عاشقی ای دوست ز هندو آموز زنده در آتش سوزان شدن آسان نیست پوزش و توضیح لازم : نسبت حجم زیاد مقالات، بعضا در صفحه بست امید اشتباهاتی صورت میگیرد، ازین بابت از خوانندگان عزیز ونویسندگان ارجمند همیشه پوزش طلب شده است .

در شمارهٔ پیشین، در بخش معرفی کتاب، بخش زیادی از نوشتهٔ همکار گرامی جناب پروفیسر لطیفی در شناخت کتاب ارزندهٔ جناب پروفیسر محمد امین صیقل (افغانستان معاصر) از نشر بازمانده بود. اینک مطلب ناقص (صفحهٔ هفتم)

سید تقیب الله ولی **به مناسبت درگذشت پروفیسر دل**
روز چهارشنبه ۲۱ جنوری سالجاری پروفیسر داکتر عبدالحیب دل، نسبت مریضی که عاید حال شان بود، داعی اجل را لبیک گفت. انالله وانا الیه راجعون . بعد از ادای نماز جنازهٔ پروفیسر مرحوم در مسجد حضرت ابراهیم خلیل الله (ع) واقع شهر فریمونت شمال کالیفورنیا، که جناب شان یکی از بنیانگذاران این مسجد شریف بود، در بوستان رحمت بخاک سپرده شد. در مراسم تشییع جنازه وفاتحهٔ مرحومی جمع کثیر از افغانهای محترم کالیفورنیا اشتراک ورزیدند.

در این مراسم دانشمند محترم قاری صفی الله، محترم داکتر سید عبدالله کاظم، سابق رئیس فاکولتهٔ اقتصاد ورئیس اتجمن کالتسالان شمال کالیفورنیا، انجنیر صرایی رئیس مسجد ومحترم دگروال صاحب صحبت هاداشتند راجع به شخصیت وسجایای مرحومی . آنان وفات پروفیسر دل را یک ضایعهٔ علمی وملی دانستند. محفل بعد از ختم کلام الله مجید واتحاف دعا به روح مرحومی وصرف نذر یه که خانوادهٔ ایشان تهیه نموده بودند، به پایان رسید.

شادروان پروفیسر داکتر حبیب دل وفات مرحوم داکتر دل حقیقتاً یک ضایعهٔ بزرگ علمی وملی شمرده می شود. ایشان شخصیت علمی خیلی عالی بودند وهمواره به فکر کمک به هنمنوع وهموطن خود می بودند، که چطور به کدام طریق به ایشان کمک نمایند. پروفیسر حبیب دل بر علاوهٔ تألیفاتی که در فاکولته های طب وفارمسی کابل و جلال آباد داشتند، تایحال ازین تألیفاتش در آن فاکولته ها استفاده میشود. دواتر ارزنده در دیار غربت نیز از خود بجا گذاشتند، یکی آن بنام (مراکز اسلامی در ایالات متحدهٔ امریکا) ودیگری بنام (شگفتی های خلقت دماغ) .

روح شان شاد وبهشت برین جای شان باد. /

اداره : عالیجناب پروفیسر داکتر عبدالحیب دل، از استادان سابقه دار دانشکدهٔ دواسازی (فارمکولوژی)، در طول مدت درازی که به شغل شریف تدریس و راهنمایی داکتران جوان کشور پرداختند، بدون مبالغه بیش از هزار شاگرد تربیت کرده ودر خدمت هموطنان گماشتند، کتب علمی نتایج پژوهش های فراوان شان، تاحال به شاگردان فاکولتهٔ دواسازی افغانستان تدریس میگردد.

باتحاف دعابه روان آن استاد بزرگوار، وعرض تسلیت به خانوادهٔ ارجمندش، جهت قدرشناسی از آن دانشمند، بخشهای ازدوقربط، اولی از شادروان استاد استادان پروفیسر داکتر رجب علی طاهری، ودومی از جناب استاد عبدالرشید ینش را، که در ابتدای کتاب (شگفتی های خلقت دماغ) به چاپ رسیده است، نقل میکنیم:

پوهاند داکتر حبیب دل، سابق آمر دپارتمنت فارمکولوجی فاکولتهٔ طب پوهنتون کابل، از جملهٔ شاگردان ذکی اینجانب در دوران تحصیل فاکولته) ۱۳۲۸-۱۳۳۴ ه)ش) بود. بعد از ختم تحصیل باشمول در هیئت تدریسی، یک استاد ورزیده ومحبوب محصلان طب بارآمدم... کتاب شگفتی های خلقت دماغ تألیف جناب داکتر حبیب دل یک اثر جدید، پرمحتوا ومفید علمی برای ارباب علم ودانش محسوب میشود، واز نتیجهٔ زحمات وتلاشهای علمی مزبور به میان آمده است... سانپول، کالیفورنیا سپتمبر ۲۰۰۵)

جناب استادینش نگاشته اند: (... در ردیف دانشمندان وآموز گاران پیشینهٔ وطن ما که اتفاقا در منطقهٔ یی ایرایی شمالی تشریف آوردند و رحل اقامت افگندند، یکی هم جناب پروفیسر داکتر حبیب دل بودند که در کابل سالهای درازی مسئولیت دپارتمنت فارمکولوجی رادر فاکولتهٔ طب پوهنتون کابل بهعهده اشتند، وبگونه ایکه همگان می شناسند، این شخصیت همه دل عزیز یکی از اساتید برازنده ومردم دوست وبر علاوه یک وطپرت گرم وسردچشیدهٔ کشورمان بشمار میروند.

در پهلوی اینهمه صفات عالی علمی، تا آنجا که این دوستدارشان در درازی این ده بازنده سال ایشانرا از نزدیک شناختم، ودر نمازهای جماعت در کنارشان ایستادم از همان اول تأسیس وبنیادگذاری مرکز اسلامی حضرت ابراهیم خلیل الله(ع)، این پوهاند خدادوست، بصفت یکی کاز خدمتگزاران صادق وصمیمی این مسجد شریف، علی الرغم گرفتاریها، بیماریها ومشکلات غربت نشینی، دامن همت به کمر بسته سالی چند بصفت عضوهیئت مدیره به امور داخلی ویرونی این مرکز اسلامی، با از خود گذری وفداکاری صرف مساعی فرمودند، بلکه در پهلوی آنهمه مجاهدات صمیمانه باتحرک وتلاش زایدالوصفی در اندیشهٔ ترتیب وآموزش اسلامی کودکان ونویا وگان مهاجر ما نیز افاده وبه اتفاق وهمکاری دیگر خدمتگزاران این مرکز اسلامی، به تأسیس یک مدرسهٔ ابتدائیه نیز افتادند... این مکتب در جوار مسجد شریف ابراهیم خلیل الله افتتاح وبیش از چهارصد کودک رازا پسر ودختر بصورت مرتب ومسبجم دروس اسلامی ونوشت وخوان بزبان های مادری شان میدادند ...

این معلم توانمند که عمر مبارک شان از مرز هفتاد به بالا ارتقا یافته، باتعجب و تحیر احسنت میگویم، وبالاخص کشاده دستی وسخاوت این بزرگمرد از ینکه حاصل فروش این کتاب ارزشمند را برای تقویهٔ بنیان مالی مرکز اسلامی حضرت ابراهیم خلیل الله وقف فرموده اند، بیش از بیش روحیهٔ پاک وبی آلاش اسلامی وخدادوستی شانرا تجلی میدهد، که جزا که الله خیر فی الدارین نصیب شان باد... /

پروفیسر داکتر لطیفی الکسندر یه -ورجینیا

ضایعهٔ بزرگ علمی

در همان لحظهٔ که طبق عادت همیشگی درصدد خبرگیری تلفونی از احوال همسلک وهمکار گرامی کادر علمی فاکولتهٔ طب کابل، پروفیسر عبدالحیب دل بودم، ناگهان دوست گرام ام کوشان عزیز از وفات المناک او اطلاع داد. خیلی غمگین وافسرده شدم . یقینا زند گینامهٔ مفصل اورا بازماند گانش به نشر خواهند رسانید. راستی به این سرنوشت آدمی همه معتقدیم که وقتی جسم انسان فانی میشود، روح او که نفحهٔ خداوندیست، به جاویدان واینتاهی می پیوندد، و پروفیسر دل روحاً آگاه خواهد شد که از اوبه نیکی یاد میکنم وبه گفتهٔ ایرج میرزا (دل آن صاحب دل در خاک شادخواهد شد.)

بهر حال، یادم میآید که من سالها قبل در بخش معرفی نشرات تازهٔ جریدهٔ مردمی امدم، مرحوم پروفیسر حبیب دل رادر تشریح یک اثر تازه اش زیر عنوان (شگفتیهای خلقت دماغ) مختصراً معرفی نمودم. اینک فشرده ای از آن مضمون را که در شمارهٔ ۷۱۲ جریدهٔ وزین امید بچاپ رسید، وانعکاس دهندهٔ و یاد آورد دانش واندیشهٔ علمی پروفیسر دل بوده، وشخصیت علمی اورا خاصتا در رشتهٔ فارمکولوژی تجسس تشریحی خارقه های خلقت دماغ انسان تبارز میدهد، به شمارااته میدهم :

بسی سالهاست که بااستادفرزانه، زحمتکش وآزموده، پوهاند داکتر حبیب دل، از دل وجان آشنایی دارم . نخست در همسایگی کارتهٔ (دنباله در صفحهٔ ۷)

عبدالودود ظفري

المېدا - کاليفورنيا

ما چه به دست آورديم ؟

جنگ سړي امریکا درافغانستان ۱۹۶۹-۱۹۸۹

درس هایي از جنگِ سری :
جنگ سری دههٔ هشتاد سازمان سیا در افغانستان، درسهای خوب وید بار آورد. حکومت رئیس‌جمهور کارتر هنگام طرح جنگ، که افغانستان را ویتنام (شوروی) بگرداند، آن درسه‌ا رایبشینی نکرده بود. تصمیم راه اندازی عملیات سری درافغانستان و پاکستان درسال ۱۹۸۰ گرفته شد، و تاسال۱۹۸۶ وسعت قابل ملاحظه پیدانمود. در آغاز قصر سفید رهبری جنگ مخفی رابدوش داشت، ولی درسال ۱۹۸۶ دراتر فشار قوی کنگرهٔ امریکا و پاکستان، سازمان سیا داخل ماجرا گردید، و مجبور شد به انکشاف هرچه بیشترجنگ توجه نماید. سازمان سیا باآنکه درفرمول بندی پالیسی جنگ شرکت داشت، درپیشرد افراطی جنگ بسیار محتاط بود.

ما چرا جنگ را بردیم؟
: امریکا سه هزارملیون دالر درجریان جنگ مخفی به مجاهدین افغانستان کمک کرد، که یک سرمایه گذاری نسبتاً اندک تلقی میگردد، امانتایج بزرگ بار آورد. شورویها درسال ۱۹۸۰ ازموقف بسیار قوی درجنوب آسیا برخورداربودند. شورویابه هندوستان که یک متحد قوی شان بود، سلاح تهیه می کردند، که دردوجنگ باپاکستان به موقییت دست یافت . شوروی حتماًیزبان کنفرانس صلح سال۱۹۶۶ در تاشکند بود، که پس ازجنگ سال۱۹۶۵ میان هندوستان و پاکستان صورت گرفت . شاه ایران، متحد امریکا سقوط کرده بود، و جنرال ضیاالحق ازدوستی باامریکا فاصله داشت . افغانستان در آغاز یک طعمهٔ آسان شمرده می شد، اما شوروی پس از ۳۳۰ روز جنگ، به شکست مواجه گردید.

به این ستوال که چرا عملیات سری به موفقیّت انجامید، میتوان به سه دلیل خیلی عمده تکیه نمود: اشتباهات شوروی، وجودمتحدین قدرتمند و مردم مصمم افغانستان .

اشتباهات شوروی :
خیلی به روشن دیده میشود که اشتباهات رهبران شوروی، یک عنصرخیلی بزرگ درزمینه بود. برژنف در تهاجم به افغانستان، به یک فیصلهٔ نادرست وشگفت انگیز دست یازید، که آن کشوررا درجامعهٔ جهانی بصفّت یک کشور متجاوز شناساند. رهبران شوروی کشورخودرا در جنگهای چریکی دچار ساختند که آمادهٔ مقابلهٔ مؤثر باآن نبود .ولی به باور ماموران سیا وپاکستان، شوروی تاسال ۱۹۸۷ باگذشت زمان درجنگهای غیر مرسوم توانایی بیشتر کسب کرد، ودروعملیات ضدبغاوت شایستگی نشان داد، مگر آن شایستگی بسیار اندک وخیلی ناوقت بود. شورویها پس ازشش سال به اشتباهات خود وقتی پی بردند که را کهای سنگرزمن به هوای امریکا در اختیار مجاهدین قرارداده شده بودند.

اشتباه تهاجم وپالیسی ناقص ضدبغاوت و آماده نساختن منابع ضروری بخاطر دستیابی به پیروزی اوضاع شوروی را بدتر کرد. شوروی تلاش ورزیدپیروزی را اززنی حاصل بدارد، قوای لازمی رابرای کنترل مرزهای پاکستان تعبیه نمودند، و گذاشتند که باغیان در پایگاههای عملیات خود سرباز گیری بدارند، آموزش دهند و زخمی هار اتداوی کنند. این خطای بزرگ در هر نوع جنگ گوریلایی میباشد. بخاطر جبران کمبود منابع لازمی، شوروی به تکنیکهای ترور ودشست افگنی دست زد، نامردم مجبور به فرار از کشور شان شوند، و تعدادی که باقی ماندند، در هراس بودند. شوروی در حدود یک ملیون انسان را به قتل رسانید، ویدنامی عظیم را کمای کرد. شوروی درحالیکه میتوانست برای جلب نظر مردم افغانستان کارهای انجام دهد، بازی خیلی ضعیف را پیش گرفت . این تنهااشتباهات شوروی بود که سبب باختن جنگ شد، اگر فیصلهٔ رئیس‌جمهور کارتر کمک به مجاهدین و تلاشهای دیپلوماتیک جنرال ضیاءالحق نمی بود، شوروی باوجود اشتباهات، شاید درجنگ پیروز می شد.راهی وجود ندارد درک کنیم که اگر کارتر درسال ۱۹۸۰ خودرا ازجنگ کنار می کشید، چه واقع میگرددید؟ ولی این مسأله منطقاً ثابت است که تاریخ بصورت کامل متفاوت می بود .

یک نگاه به گذشته حالی میسازد که سیستم سیاسی واقتصادی اتحاد شوروی دردههٔ هشتاد بصورت عمیق دچار مشکلات بود. اختلافات درونی درنظام کمونیستی و ناتوانی در ارائهٔ خدمات وخوشبختی، مثل مرض سرطان نظام رابه تحلیل می برد و دورنمای دوام آنرا ناممکن می ساخت. بعضی ها ناتوانی نظام را درک کرده بودند .

سازمانهای استخباراتی به شمول سازمان سیای امریکادر سال ۱۹۸۷ گزارشی را زیر عنوان (گوربه چف به کجامی رود) ارائه داشتند، که در آن پالیسی و دیپلو ماسی شوروی رادر دههٔ نود پیشینی کرده بودند، ونظریات موافق ومخالف در آن انعکاس یافته بود. اکثریت موافقان اذعان داشتند که احتمال زیاد وجود دارد که گوربه چف با وارد کردن اصلاحات به تجدید قدرت نظام بر حال شوروی همت گمارد، و کنترول حزب کمونیست رابر قلمرو شوروی حفظ نماید، مگر درسیاست خارجی شوروی در کشورهای جهان سوم تغییر عمده انتظاربرده نمی شود. مخالفان فکر میکردند که گوربه چف یک آدم اصلاح طلب نبوده، فقط وقفت علاقمنداست قدرت حزب کمونیست رادرجامهٔ شوروی تحکیم بخشد. برخلاف نظر موافقان گوربه چف برآیندهٔ اتحادشوروی ازنفوذ نسبتاً کم ب رخوردار بود، و نتوانست تغییرات عمده وارد کند. نه موافقان ونه مخالفان، سقوط کامل اتحادشوروی را پیشینی نکرده بودند، که ا زدههٔ نود به حیث یک ملت باقی مانده نمی تواند. تهاجم شوروی بر افغانستان یکی ازدلایلی بود که پیشینی ها غلط ثابت گردید.

متحدین نیرومند و متعهد :
علت دیگر پیروزی امریکا درجنگ سری، وجود متحدین قدرتمند در کنار آن بود. جنرال ضیا از پاکستان وملک فهد از عربستان سعودی به صورت کامل متعهد بودند تاجنگ به پیروزی ناید شود. به همین خاطر منابع ضروروی رابکار بردن واز تهدیدات شوروی ومتحدین آن نهراسیدند. باحضور فرقهٔ چهلیم شوروی درمرزهای غربی، واندیدراگاندی درمرز شرقی، جنرال ضیاالحق دراوایل دههٔ هشتاد در معرض خطر قرارداشت، ولی او محتاطانه ازبدبختی وخطر طفره رفت. امریکا باجنرال ضیا وملک فهدمشتراکات ارزشی کمی داشت، زیرا هر دو ضد برقراری دمو کراسی و دارای تاریخچهٔ بسیار بدحقوق بشری بودند. هر دو (ضیاء و فهد) از نوعی اسلام طرفداری میکردند که در نزد اکثریت مسلمانان، اسلام افراطی تلقی می شد، ولی جنرال ضیا وملک فهد به چیزی علاقمند بودند که طرف دلچسپی امریکاقرار داشت، و آن شکست دادن تهاجم شوروی برافغانستان بود . چنانیکه رئیس‌جمهور روزولت از امریکا و چرچل نخست وزیرانگلیس باجوزف ستالین از اتحادشوروی همراهی کردند تا نازی های جرمنی و امپراتوری جاپان را درجنگ عمومی دوم جهان شکست دهند ـ کار تر ور یکن رؤسای جمهور امریکا برای مغلوب ساختن شوروی در افغانستان باجنرال ضیا وملک فهد، متحدین امریکا، همراهی نمودند .

مردم افغانستان :
مردم افغانستان عمده ترین عامل پیروزی جنگ سری بودند، اکثریت مطلق باشندگان افغانستان تهاجم شوروی رابه کشور شان رد کردند، و آنرا یک جنایت، وحشت و ترور حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود پنداشتند. درحالیکه شماری از طرفداران رژیم حفیط الله امین (دنباله در صفحهٔ۶)

دا کترسخی اشرف زی سید کاغذ

سند یا گو- کالیفورنیا

آزمون دیگر ذهنیت قوم گرایی پارلمان و اشتباه سیاسی حکومت وحدت ملی

درمورد انتخابات شورای ملی کشور که شاید در مدت کمتر از یکسال برگزار شود، نوشته هایی را قبل ازل توسط رسانه های معتبر انترنتی کشور تحت عنوان خانه ملت محل تجمع مفسدین و اشخاص بی کفایت به نشر رسانیدم و در نوشته دومی هم توضیح کرده بودم که این نمایندگان نباید به حیث وکیل ملت باردیگر در پارلمان راه یابند وبه هیچ صورت گنجایش انتخاب دوباره را ندارند .

این هوشدار هارامن یحیث یک شهروند عادی که جریانات سیاسی کشور رابابک علاقه خاص تعقیب میکند در نوشته های قبلی خود تذکر داده بودم که امروز این بر سرسپهادر مورد بخش بزرگ نماینده های پارلمان بکلی صدق نمود. درین چندروز اخیر در جریان رای دهی به نامزدوزیران که توسط حکومت وحدت ملی به پارلمان معرفی شدند وطرزالعمل رای گیری اعضای پارلمان به نامزد وزیران که بازمه ذهنیت قوم گرایی ویی کفایتی را تبارز دادند بکلی صدق نمود . از میان زده تن کاندید وزیران صرف ۹تن رای اعتماد گرفتند که ازین مجموعه معرفی شده ۵پشتون ۲ تاجیک یک ترکمن و یک سادات رای اعتماد بدست آوردند وده نامزد وزیر دیگر از جانب نمایندگان ملت رد شدند.از جمله ۶نامزد وزیر صرف ده تن بشمول رئیس امنیت ملی که ۳۰فیصد کابینه را تشکیل میدهند رای اعتماد گرفتند که آرمیتوان یک کابینه ُنگ خواند. ولی نامزد وزیران هزاره واوزبیک با وجودی که واجد سویه بلند اکادمیک بدرجه دکتورا مانند آقای سردارمحمد رحیمی جوان با استعداد که بایک عالم امیدواری که میخواست وطن خویش خدمت کند و آقای عباس بصیر وهم چنان برناکریمی که تجربه کاری ومدیر موفقی در اداره ریاست جمهوری آقای کرزی بود و از برادران اوزبیک ما آقای سردارمحمد رحمن اوغلو و آقای فیض اله ذکی که در دوره ۱۵ ولسی جرگه دوکیل موفقی بودند بنابر دلایلی رد میشوند . وجریان اعطای رای اعتماد را به چهره های که دارای لیسانس و آنهم از کدام نهادمشکوک است تایید ونامزدوزیرانی که دارای تحصیلات خیلی عالی و گذشته خیلی روشن و کارا داشتند رد میشوند.

مشکل نه تنها در پارلمان بلکه حکومت وحدت ملی وهمچنان گروپهای سیاسی که از رئیس‌جمهور ورئیس‌ اجرایی در جریان انتخابات ریاست‌جمهور که از یک کاندید دیگر حمایه نموده بودند در انتخاب نامزدوزیران مقرر اند که ما این اشتباهات را از چندین بعد به بررسی می گیریم .

اول : ذهنیت سنت قومی وار تباط قبیولی در پارلمان : این نوع ذهنیت بیانگر آنست که هنوز نمایندگان به زدوبندهای قومی وقبیولی گرفتار اند و نماینده حقیقی ملت بشمار نمی روند واین حرکت شان نشان داد که بخش بزرگ این نمایندگان اشخاص بی سواد کم سواد وطوریکه در بالا ذکر کردم اشخاص مفسدو خود فروش وییگفتای اند که تمیز درست ازموقف حساس یک نماینده پارلمان را ندارند. پرواضح است که معیار دادن رای نمایندگان به نامزد وزیران بر حسب تعهد، تجربه وشایسته سالاری نه، بلکه درمورد کاندیدوزیران با یک تعصب قومی وزبانی وتبعیض برخورد شده است.

باتاسف باید گفت درین ده کاندیدوزیر که از جانب اعضای شورای ملی رد گردید اشخاص نخبه، کارا بایک برنامه قوی گسترده ومطابق به شرایط کشور توضیح گردید ولی و کلای پارلمان قطعا گر برنامه این کاندیدوزیران علاقه نگرفتند ودر تالارچای آنکه با دقت کامل برنامه های کاندیدوزیران را بشنوند وروی آن قبل از رای گیری بحث وتبادل نظر کنند در عوض بدون توجه با هم به صحبت و خنده با یکدیگر مشغول بودند وتعداد دیگری با تلیفون همراه با دوستان خود صحبت میکردند وخانه و کیلان نیزهم با یکدیگر به سرگوشی غیبت و(چی چی پچی) مصروف بودند حتی وکیلاتی که از نامزد وزیران ستوال داشتندوستوال خودرابصورت تحریری به رئیس‌مجلس تحویل داده بودند ولی درموقع جواب دادن نامزد وزیران به سوال شان به بیرون از تالار تشریف داشتند .

غالباً نصاب وکیلهای پارلمان در تالار هیچ وقت به حد کافی نبوده واکثر قوانین به اساس گزارش رسانه های جمعی کشورهفته ها حتی ماهها در مجالس شورا حاضر نشده وبه پروسه رای گیری سهم نمیکیرند گرفتاری ها ومسایل شخصی وخصوصی رانسبت به مسايل با اهمیت ملی ترجیح میدادند ودر مسايل ملی چون نصاب نمایندگان به سبب غیرحاضری های متداوم تکمیل نمیشد روز ها وهفته ها رای گیری در مورد یک قانون خاص به عقب میافتاد ولی در دادن رای به نامزدوزیران که از ۲۴۹وکیل به تعداد ۲۴۳آن حاضر بودند و این تجمع وکیلهای یک فرصت مناسب برای شخص وکیل ها بود که قانون شرایط کاندید شدن را که بایست در انتخابات آینده که یک وکیل واجدشرایط لیسانس باشدویک دوره حیث نماینده ولایت خویش در پارلمان کارکرده باشد تصویب نمودند وهرمینجا هم به فکر آینده خوداستند وسعی دارند که از جانب موکلین خودبا زدوبند ها ودادن رشوه دوباره به حیث نماینده در پارلمان راه یابند فرقی ندارد که این نماینده بی سواد وکم سواد هم باشد .

دوم : نیم آقای احمدزی و آقای عبدالله برای نامزدوزیران کمپاین کافی نکرده ویرای شناسایی نامزدوزیران به اصطلاح (لای گی) درست نکردند وبانمایندگان پارلمان نشستهای جداگانه برگزار ننموده ونامزدوزیران وبرنامه کاری شانرا بحث وزیرقبل معرفی نکردند که در این مورد هیچ اقدامی از جانب رئیس‌جمهور و رئیس‌ اجرایی صورت نگرفت. بعضی به این عقیده اند گروپ های که هر دو رئیس راحمایه کرده بودند نامزدوزیران را بالای رئیس‌جمهور و رئیس‌ اجرائی تحمیل نموده اند. احمدزی وعبداله وقتی بستهاي کلیدی شان از پارلمان رای تایید گرفتند ودرخصوص متباقي وزرا آقندر دلچسپی نشان ندادند، که بعضیها این وزرای رد شده را به اصطلاح پیش مرگان خطاب میکنند که بار دیگر این دو رئیس وزرای طبق دلخوای خودرا به پارلمان معرفی کنند، که البته این یک افواه است وشاید حقیقت نداشته باشد و حتی بعضی از اهل خبره رد کردن کاندید وزرا را یک اشتباه سیاسی از جانب اعضای مجلس میدانندواگر واقعاین یک اشتباه تلقی شود بازمه رئیس‌جمهور ورئیس‌ اجرایی وزاری رد شده راباردم جهت رایگیری به پارلمان فرستند ورایگیری مجدد کدام مانع قانونی نباشد، البته احمدزی توسط فرمانی میتواندرفتن وکلارابه رخصتی به تعویق بیناندازد، و این طرزالعمل در دیگر کشورها هم صورت گرفته است.

سوم : مشکل رقابت سیاسی گروپها ودرون قومی : بعضی از نامزد وزیران نسبت انتقام گیری ومشکل درون قومی از جانب وکیلهای ملت رد شده اند. فیض اله ذکی که باحمایت جنرال دوستم معاون اول رئیس‌جمهور رد شد و اکثر پشتونها به وی رای اعتمادندادند و عباس بصیر بابشتیانی کریم خلیلی و سردارمحمد رحیمی وبرناکریمی باحمایه محمدمحقق معرفی شدند، امکان ان میرو د که دائر رقابت سیاسی که بین خلیلی ومحقق موجوداست، وکلای وابسته به این دو شخصیت به نامزدوزرای یکدیگر رای نداده باشند، که اگر این موضوع واقعیت داشته باشد هر دو درحقیقت بازنده شده اند وزلمی بونسی از سوی عظامحمدنور، خاطره افغان که نسبت نبود اسناد تحصیلی ردشد، باحمایت حکمت خلیل کرزی معرفی شده بود ،دوسوم کابینه شاید بعداز رخصتی زمستانی برای گرفتن رای تایید به پارلمان معرفی شوندومردم به تشویش اند که

مترجم : محمدافضل ناصری

ژورنالیست افغان در آوارگی

مشکلات اسلام در برابر کفر وتوهین به مقدسات

نویسنده : مصطفی اکیل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۵، نیویارک تایمز
آبامسلمانهای معتدل، بالاخره علیه هم مذهبان جنگ طلب خودسخن می گویند؟ این ستوالی است که مردم سراسرجهان دارند، اما تابه حال این ستوال را جدا زریحث نگرفته بودند. پس از حملهٔ وحشتناک بردفتر مجلهٔ طنز «Charlie Hebdo» وسوپرمار کیت کوشیر(یهودی)، در پاریس، آن ستوال را مطرح بحث ساخت.

زامداداران مسلمان، امام ها وروشنفکران اسلامی صدای خودرا، هم آوا باصدا های رهبران جهان درمحکومیت ترور بلند کردند. اما این هاباید یک وظیفهٔ مهم واساسی رانیزبعده بگیرند که عبارت از تفسیر دوباره وواقعی عیغهٔ مسلمانان در مورد اهانت به مقدسات میباشد. حملهٔ ترور رستی پاریس ظاهراً برای جزا دادن عاملین اهانت برمقدسات اسلام شعله ورگردید. تمسخر برمحمد بطورعموم دررأس این موضوع جنجال برانگیز وضدوقبیض اهانت قرار گرفته است. اما باید بخاطر بسپاریم که تنهاپیغمبر اسلام محمد، یک چهرهٔ مقدس دردین اسلام محسوب نشده، زیرا قرآن سایر پیامبران رانیز تکریم وستایش میکند، مانند حضرات ابراهیم، موسی وعیسی، همچنان به مسلمانان گفته شده که بایددر میان این پیامبران وفرستادگان خداوند تبعیض واختلاف در نظر نباشد، ولی تاهنوز نظر افراطیون اسلامی تهمتاتوجه محمدمیباشد. یک نکتهٔ قابل ذکر این است که درحالیکه خداوند سایر پیامبران، سایر ادیان مانند یهودیت وعیسویت مقدس شمرده میشوند، ولی برای مسلمانان درین پیامبران تنها قدسیت محمد مدنظر میباشد. درینجاموضوع یک پدیدهٔ ملیت گرایی دینی نیزموردبحث قرارمی گیرد. درطول زمانیکه قرن۱۲ تا۱۷ رادربر میگیرد، وموضوع لیبرالیسم در دین تبارزداشت، توهین به مقدسات دردین عیسوی نیز یک گناه بشمار میرفت.

عقدهٔ افراطیون تنهاتوهین مقابل حضرت محمداست، حتی توهین مقابل خداوند که یک کفر بزرگتر است، مورد توجهٔ آنهاقرار نمی گیرد. یا مجلهٔ فکاهی(متل چارلی هبدو) کارتونهایی نشر کرده به مسخرگی خداوند که ادیان مثل یهودیت، مسیحیت واسلام راتوهین میکند، این کار افراطیون اسلامی را نارام نمی سازد، به مجردیکه توهین برحضرت محمدمیشود، آنهاازخشونت کارمیکیرند. دهشت گرایان پاریس مایل به جزا دادن کفر گویان بودند، شوق این کار بنیادجنگجویی دراسلام است. حوادث دیگرهم در گذشته وجود داشته، فتوای آیت الله خمینی علیه نویسندهٔ مشهور، سلمان رشدی، درسال۱۹۸۹ و احتجاج علیه اخبار دنمارکی که کارتون محمد رادر سال ۲۰۰۵ نشر کرده بود، پس حساسیت بدون شک فقط دربرابر حضرت محمد است .

این یک قضیهٔ مذهبی میباشد، تهداب آن درین جهان است ونه به عقیدهٔ راستین به خداوند. این ملیت مذهبی رهنمایی خودرا ازقانون شریعت میگیرد. درشریعت احکامی است که کفررا گناه مهلک میداند. بایدداشتمندان مسلمان بی باکانه وجرئتمندانه روی این موضوع بحث کنند، آنان میتوانند به قدم اول اعتراف کنند که شریعت گرچه منشأ ازخدا میگیرد، اما تعداد زیاد دستورهای ساخت انسان در آن اضافه شده است.

درفقرآن هیچ نوع جزای برای کفر یا ترک عقیده طور آشکارا در نظر گرفته نشده، همچنان هیچ حکمی به سنگسار یا تحقیر زنان، یا تحریم هنرهای زیبا نیست، این نو آوریهای عقیدتی وتفسیرهای نو، توسط دانشمندان اسلامی درقرون وسطی در ادبیات اسلام افزود گشته است. این کاربه اساس محیط اجتماعی آن زمان بود. طوریکه می بینیم جزای طاقت فرسا برای کفر و ترک عقیده وقتی ظهور کرد که حکومتهای مستبد ضرورت احساس کردندیک اجازهٔ شرعی بکار است تا مخالفین سیاسی خودرا ازین ببرند. طورمثال یکی از محکومین کفر دراوایل قرن ۸ بنام غلیان دمشقی بود که اورا دورهٔ حکومت اموی ها کشتند. اورا کافر گفتند، زیرا اومیگفت حکمر وایان حق ندارند دعوا کنند که قدرت برای آنها از طرف خداوند داده شده است، آنان باید بدانند که مقابل مردم خود مسئولیت دارند.

قبل ازینکه قانون شریعت برای استفادهٔ سیاسی قوتیرساخته شود هم، کفار برمسلمانها واسلام تحقیر وتوهین میکردند. قرآن شریف میگوید هر وقت برسر حرف خداوند یا براسلام مسخرگی کردند، شما با آنها داخل بحث و گفت و گو شوید تا موضوع را تغییر بدهند، ورنه مثل آنهاهی شوید. (با آنها نبشینید) این است جواب قرآن مقابل توهین، نه خشونت ونه جنگ . سانسورمسلمانهای عاقل و رهبران اسلامی عاقل در سراسر جهان یک خدمت بزرگ به اسلام خواهد بود، اگر سخنرانی وبحث برسراسلام راز خشونت ودهشت، بطرف آرامش و مذاکره وصلح ببرند. این نوع تبلیغ، افراطیون مذهبی را آرامتر خواهدساخت. نیروی یک عقیده از تهدید و جبر قدرت نمی گیرد، بلکه از امانت اخلاقی واز قدرت روشنفکری منع می گیرد. /

دوردم معرفی نامزد وزیران به اساس زدوبندهای قومی نه بلکه اشخاص تحصیل کرده با دانش □ تجربه ودارای افق نظر وسیع به پارلمان معرفی گردد. /

اگر طالبان ترور یست نیستند چرا امریکا سیزده سال با آنان جنگید ؟

۳۱جنوری/ کابل - تلویزیون نور: وزارت دفاع امریکا در روزهای نخست سال ۲۰۱۵م اعلام کرد که پس ازین ملاعمر رهبر طالبان رادر صورتی هدف قرار میدهد که او تهدید مستقیم علیه امنیت امریکا محسوب شود. حالا امریکامیگوید طالبان یک گروه ترور یستی نیستند. کاخ سفیداعلام کردطالبان تنها برای پیشبرد برنامه هایشان جنگ میکنند و مشابه گروه های ترور یستی محسوب نمی شوند. اریک شو لتر معاون سخنگوی کاخ سفید گفت:طالبان باوجود اجرای تا کتیک هایی مشابه گروههای ترور یستی، ترور یست محسوب نمیشوند، آنان تنها برای پیشبرد برنامه های خود به انجام حملات رعب انگیز در افغانستان ادامه میدهند! شماری از آگاهان سیاسی از ین اعلام کاخ سفید انتقاد میکنند. علی اکبر جمشیدی عضو مجلس سنا میگوید چگونه تا پایان سال ۲۰۱۴ طالبان دشمن امریکابود واز آغاز سال ۲۰۱۵ دیگر دشمن امریکا نیست؟ به باور او اگر طالبان ترور یست نیستند پس چرا امریکا در ۱۳سال گذشته با آنان جنگید؟

امریکا در ۲۰۰۱ اعلام کرد حکومتها وسازمان هاییکه به گروههای ترور یستی در قلمروشان پناه بدهند واز آنان حمایت کنند، ترور یست اند. بر مبنای همین تعریف طالبان هم در فهرست گروههای ترور یستی جای گرفت و برای بازداشت رهبران آن جوایز کلان تعیین شد. به همین دلیل امریکا به افغانستان حمله کرد. آگاهان به این باورند که جنگ امریکا در افغانستان به سبب دشمنی با طالبان نبوده، بلکه هدفش در سطح منطقه وجهان باعث جنگ در کشور شده و ترجیح میدهد هدفهای خود را در منطقه ازسوی گروه های دیگری دنبال کند.

حکومت عامل اصلی نقض حقوق بشر است

۳۱جنوری/ کابل - تلویزیون نور: دیدبان حقوق بشر در گزارشی حکومت را عامل اصلی نقض قوانین حقوق بشر در میداندمشول سازمان میگوید دستاورد های ۱۳سال دولت با تهدید جدی روبرو ست. انتقال قدرت را که با جنجال همراه بود، ووضع نامشخص کنونی، دستاورد های ۱۳سال راتهدید میکند.

انجنیر عبدالصبور فروزان
یلدی از یک مرد مبارز: هدایت رحمانی بگراموال
نیوجرسی لازم است سخنی چنداز هدایت رحمانی بگراموال بگویم، که حاصل شناسایی ودوستی من با اوست. هدایت رحمانی برای من نه تنها یک عضو خانواده، بلکه شخصیت والاتر و وزین تر از آن بود. هدایت سپاهی گمنام جهاد مردم افغانستان، که از همهٔ همنسگران جهادو مقاومت کشور بیشتر تنیده ومبارزه کرد. او خدمتگاری مزدی برای وطن ومردمش بود که در برابر هر خدمتی برای وطن وآزادی وطن مزدی نمی گرفت، و هرگز مزدی نگرفت. حتی نخواست که ازین خدمتگزاری وفداکاری او کسی آگاه گردد، وچون رازی میان خودش ومیهنش باقی بماند.

هدایت مرد مبارز وقهرمان دربرابر روسهای کمونیست واشغالگرو بودو در این مبارزه عزیزترین داشته های زندگی، پدر بزرگوار ومبارزش شهید عبدالرحمن بگراموال، وطن دوست داشتنی اش و وجود پرازغم واندویش رازدست داد.رحمانی دردوطن ومردم راجنان در سینه داشت که این درد آهسته آهسته ولی بیگیرانه وجودش را رنجور ساخت و بیماراش نمود. او همواره ازدرد وطن مینالید، اما از درد جسم هرگز ننالید، و کس ندانست که هدایت بیماراست یا صحتمند!

بخاطر دارم زمانیکه خلقهیاویر چمپاحلقهٔ غلامی روسهرا بگردن انداختند و وطن ووطنداران شانرا به روسها تسلیم کردن، پدر بزرگوار شهید عبدالرحمن بگراموال در همان لحظات نخست به کار آزادی وطن آغاز نمود. روستان و اطرافیان خود را به مبارزه برای آزادی وطن دعوت کرد. چون اهداف شوم کمونیستهارا از همه بیشتر و بهتر درک کرده بود، بهر کس میگفت که آرام نشینید ووظیفهٔ خود را در برابر مادروطن انجام دهید. اما کمونیستهای وطنفروش به دستور بادران شان در کرملین، بر آن شدند تا هر چه زودتر صدای چنین مبارزین قهرمان ودلدادهٔ وطن رادر وهلهٔ نخست خفه سازند. در آن زمان داکتر نجیب الله، که یکی از جبرالان خاد وشخص مورد اعتماد سازمان کی جی بی بود، دستور گرفت تا چارهٔ انشخاصی چون شهید عبدالرحمن بگراموال را هر چه زودتر نماید. سیاهی شب بر همه جا گسترده بود، و چراغهای منازل خاموش شده بود، و مردم به بسترهای شان خوابیده بودند، که مامورین خاد دروازهٔ منزل عبدالرحمن بگراموال رامی کوبید. جناب بگراموال که در آن زمان فرزندانش کوچک و خردسال بودند، خود برآمده و در را باز کرد. وقتی مامورین جنرال داکتر نجیب الله می بینند که خود عبدالرحمن است، این مرد وطندوست ومبارز را بابیشمری کش می کنندوبه داخل جیب خادمی اندازند، به رویش تکهٔ سیاهی رامیاندازند وحرکت میکنند. هنوز فرزندان وهمسر بگراموال در خواب میباشند، ولی از ضربت دروازهٔ موتر بیدار میشوند، می بینند که درب حویلی بازاست وجناب بگراموال را آن جانبان باخود برده اند، وحتا به او موقع نداده اند که پاوشی درپا ولیاس گرمی برتن کند.

سی و پنج سال از آن شب میگذرد که همسرو فرزندان ودوستان و عزیزان جناب عبدالرحمن بگراموال درانتظار او نشسته اند. سالها ازین چشم براهی گذشت، وآن مرد مبارز و آن فرزند صدیق وطن باز نگشت. اینکه چه حال و روز گاری بر سر او آوردند وبه چه نحوی شهیدش کردند ودر کجا مدفونش کردند، تا کنون کسی نمی داند. اما خصلت کمونیستهارووسهای اشغالگر به پاسخ دهی این سوالها همکاری کرد، تادوستان وفرزندان وعزیزان عبدالرحمن بگراموال و هزاران شهید همچو او، چشم براه نباشند، که در روز حشر بادیکگر شهدای گلگون کفن به نزد خداوند(ج) ورسولش(ص) می آید تا ما وایش را که در فردوس برین است، اخذ کند، وشرمساری ودلت قاتلین خود راخود ببیند.

من افتخار دیدار ومهربانی آن مرد بزرگ راداشتم، وهنوز پسر یچهٔ نو جوانی بودم که شخصیت والای او سخت بالایم اثر داشته بود. انسان باوقار، باقامت بلند وجهرهٔ زیبا وآراسته بانورایمان بود. موهای انبوهش در نزدیکیهای رویش سفیدی داشت که چهره اش راز بیایی خاصی داده بود. در مردی وجوانمردی، دردوستی ورفاقت، دران دهی وسخاوت، در مردم داری وفداکاری چنان بود که نظیرش رادر کس دیگری جز فرزندش هدایت رحمانی ندیده‌ام. هدایت رحمانی الگوی وطندوستی، محبت وعاطفه، جوانمرد وراستی، همکاری و همدلی بود. او راه پدر را به پیش گرفت وخدمت وطن رافرض ذمهٔ خویش ساخت، ویادر وطن ومردمش زندگی کرد. این درد دراو چنان عمیق بود که با دیدار نخست در سیمایش خوانده میشد. در مجلس هدایت حرف دیگری جز حرف وطن وغم آوارگی هموطنانش نبود.

هدایت رحمانی به شهیداحمدشاه مسعود، سپهسالار جهادمقدس ما، سنبول آزادی وحریت در جهان معاصر اسلام ومنطقه، ارادت خاص داشت، او را بهترین ووالا ترین مرد مبارز و الگوی آزادی، مردی، شهامت واستقامت در برابر اشغالگران روسی ومزدوران پاکستانی می دانست، وآنها یی را که با قهرمان ملی همکار وهمسنگر بودند، سخت دوست داشت وحرمت می نهاد، وآچه در توان داشت در راه آزادی وطن صرف کرد. درین راه نه شب رادیدی ونه روز را، نه به کار ونه به روزگار ارزش میداد ونه پروای کسی راداشت که مانعش میشد. آنگاه که روسهای اشغالگر به وطنش حمله کردند، هدایت رحمانی نخستین فرزند وطن بود که در دیار غربت فرزندان فداکار وطن را جمع کرد تا صدای هموطنانش را بگوش جهانبان برساند، واین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بود. او به مشکل پانزده نفر رادر نیویارک پیدا کرد که از مبارزین ودلیاخنگان وطن بودند، از جمله مینوان از استاد ستار جفایی، محترمان عبدالمجید منصوری، نثار احمد زوری، استاداحمد راتب، محمد یونسی، حبیب الله مایار، محمدابراهیم صافی، مسعود خلیلی، محمدرشاد، تمیم نورستانی وجناب حاجی محمد اکبر شیرزاد. این فرزندان صدیق وطن، سروسامان دادن مظاهرات را بر علیه اشغال روسها در برابر مقر سازمان ملل متحد در نیویارک ترتیب میدادند وبا شعارهای آزادی ویر قهای وطن، در خیابانهای نیویارک به راهپیمایی می پرداختند، تا باشد آنها یی که در دفاتر آن تعمیر بودند، به این جمعیت پانزده نفری نظری اندازند وبه فراد شان گوش دهند. در ابتدا این دفتر نشینان باخود میگفتند که پانزده نفر تعداد چشمگیر نیست که صدای شان باید شنیده شود واین کار به زحمتش نمی ارزد، و بدین ترتیب هیچ توجهی به آن جمعیت کوچک نمی کردند. باری دریکی از این مظاهرات علیه اشغالگری شوروی، این جمع کوچک در حالیکه سردی و خنک نیویارک بیدادمیکرد، چون کوه مستحکم پابر جاماندند وپروای زجر سردی هوا ونگاههای اذیت کنندهٔ عابرین را نداشتند، تابالاخره تعداد زیادی امریکاییان از ایستادگی و استواری این جمع کوچک در حیرت شدند، چون می دیدند که این جمع هنوز در آنجا ایستاده باسرو صداهای یخزده، که حتابعضی شان لباس مناسب زمستانی نداشته ومی لرزیدند، ولی پیام مردم افغانستان را مرتبایان میکردند.

از هدایت شنیده‌ام که میگفت: (در آنروزها از خنک که چه میبرسی که روده های ما از گر سنگی هم قالمقال راه انداخته بودند و کیف سگرت هر لحظه غلبه میکرد. عابرین نیویارک اکثرا نام افغانستان آشنا نبودند، ولی ایستادگی این جمعیت کوچک مظاهره چی ایشان راوادار میساخت تادرنگ نمایند وبشنوند که ایشان چه میگویند. سر انجام روز به پایان میرسد ودفتر نشینان ملل متحد به این جمعیت قلیل توجهی نکرده وبالیاسهای شیک ومو ترهای سیاه خود به خانه میروند فردامی آیندوباز همان جمعیت پانزده نفری رامی بیندو توجهی نمی کنند. چندین روز بدین منوال مگذرد، مظاهره چیان در تعداد بیشتر نمیشوند ودر استقامت واستواری محکمتر میگردند، همه از خنک می لرزند وباسرو صورتهای خشکیده وپیشان، اما با صدای رسا که با همت بالا همراه بود، میگویند: افغانستان! افغانستان!

دفتر نشینان ملل متحد سرانجام به تعداد مظاهره چیان نه، بلکه به ارادهٔ متین و مقاومت آهنین ایشان تسلیم میشوند، نما بندهٔ خود رامیفرستند تا در یابد که اینها چه میخواهند وهدف ایشان از چه قرار است. از همین روز میباشد که مسألهٔ اشغال افغانستان از مسایل اد در ملل متحد میشود، ورفته رفته سر خط گفت وشوندهای داغ در آن کانون میگردد. این جمعیت قلیل ولی بارادهٔ آهنین اجازه می یابند تا در گفت وشوندهای که در تالار ملل متحد دربارهٔ اشغال افغانستان توسط روسها میشد، حضور یابند. این جمعیت پانزده نفری توجهٔ سازمان ملل وفرستادگان ملنها را به قضیهٔ اشغال افغانستان چنان میکشاند که آن سازمان ملل وشرطهها تابه سئوالهای ایجاد شده از اشغال افغانستان پاسخ دهد، وشوروی وزیر خارجةٔ خود را که در آن زمان اندره گرومیکو بود به نیویارک فرستاد واین جمعیت هم اجازه حضور یافت. زمانی که گرومیکو بداخل سالون ملل متحد برای پاسخدهی داخل شد، همه مظاهره چیان صدای انزار و نفرت بلند میکنند وهدایت رحمانی خاکستر دانی را که در بالای میزی بود بر داشته وحوالهٔ افراد گرومیکو میکند که نزدیک بود به رویش اصابت کند.

هلهله در میان حاضران بالا میشود، بعضی هافقیقه میخندندوبعض دیگر در جستجو میشوند تا با این مرد شجاع معرفت حاصل نمایند، این عمل هدایت الله رحمانی خود یک فداکاری واز جان گذشتن در راه وطن بود. این پیکار هدایت رحمانی در برابر دشمن وطش از نوع پیکار هیاست که از خود شجاعت و سربازی خاص میخواهد، که جز در شخصی او در کس دیگری دیده نمی شد. هدایت می دانست که این کار به قیمت جانش تمام میشود ولی آنرا کرد تابه وطنش بگوید که جانم فدایت. هدایت رحمانی دشمن وطن را در برابر همهٔ جهانبیان زبون ساخت. گرومیکو خجل شده سرخی چهره اش بیشتر گردیده پیشانی اش عرق میکند، با هایش سستی کرد وبه میز خطابه خود را رساند. چون راه هدایت حق بود وخداوند لا یزال(ج) حافظش شد و دشمن نتوانست به او ضرر برساند.

هدایت رحمانی سجایای نیک فراوان داشت، اگر در مورد هر یک سجهٔ نیکوی اوصحبت نمایم ممکن بالاخره به پایان برسد، ولی عشقی که او به وطن داشت، بی پایان بود که با سخن وتحریر انجام آن رانمی توان تعیین کرد. دریک حرف او کسی بجز یک عاشق دلباخته ودلسوز وطن نبود. او به کاکای گرمایی و بزرگوارش جنرال محمد مهدی بگراموال افتخار میکرد که در سنگرمبارزه و مقاومت باشهید احمد شاه مسعود، منجی آزادی کشور، یکجا در برابر طالبان مزدور سیه دل می رزمید. شهید جنرال بگراموال که پیلوت بود، در کنار سایر مجاهدین راه حق در برابر تروران پاکستانی رزمید وهمراه بامرد شجاع وسر سپردهٔ مین شهیدعبدلرحیم غفورزی ومجاهد نستون محمد عزیز مراد درآثر سقوط طیارهٔ حامل شان شهید شدند. روح شان شاد وجنت برین نصیب شان باد.

من افتخار دوستی هر دورا داشتم.

فضیلتآب حاجی محمد اکبر شیرزاد، یکی از دانشمندان محبوب کشور، که همهٔ عمر رادر راه جهادو آزادی میهنش وخدمتگزاری مردمش سپری کرده، می گوید: آواتی که روسهابه کشور حمله کردند، هدایت رحمانی ودیگروستان که تعداد ما محدود بود، فعالیتهایی را بر اه انداختیم تا صدای مردم خود را ووطن را که در اشغال روسهای کمونیست بود، بگوش جهانبان برسانیم. موقف ما خوب بود چون در شهر نیویارک بودیم این مرکز دنیا بودو هر حرکتی که درین جامی شد به آن واحدمردم در همه گوشه وکنارجهان از آن آگاه می شدند. ولی برای این فعالیتها که شامل برگزاری تظاهرات، تهیه شعار ها، دید ووا دیدها باشخاص چه در ملل متحد وجه در داخل امریکا و روزنامه نگاران بود، مصارف کار داشت وما از نگاه مادی وپولی ضعیف بودیم. دریک چایخانه جمع شدیم تا مصارف را بستجیم، بعد از گفت وشنود در باقیم که برای این کار حداقل دوهزار دالر ضرورت است، واین برای همهٔ ما مشکل بود. هدایت الله جان رحمانی دیر تر به مجلس رسید وپرسید که چرا همه گرفته معلوم میشود؟ گفتیم در فکر این هستیم که مصارف را چگونو نه پیدا کنیم، در آنوقت دوهزار دالر پول زیادی بود، گفت چندمیشود، گفتیم تقریبا دوهزار دالر. هدایت گفت شما همینجا باشید، من بعد از یکساعت دوباره می آییم. بعد از کمتر از یکساعت هدایت رحمانی آمد و پاکی را از جیب کشید وبر سر میز ماند، که در آن دوهزار دالر بود، وگفت درین کارها غم پول رانداشته باشید، چاره اش میشود. همهٔ ما خوشحال شدیم وبه فعالیت شروع کردیم. جناب حاجی اکبر شیرزاد افزودند: این تنها یکبار نبود، بلکه هر زمانیکه ما به مشکل مادی مواجه میشدیم، هدایت رحمانی به شکلی از اشکال چارهٔ آنرا میکرد ومارا نمی گذاشت در مضیقو باشیم.)

آخرین صحبت من با هدایت رحمانی یک هفته یش از وفاتش بود، او برایم گفت که درسهای داکتری خود را شروع کرده امد وپروفیسر رهنمایم گفت چیزی در مورد زندگی ت بنویس. هدایت برای لحظهٔ فکر میکند وبعد به پروفیسر میگوید من هر چه فکر کردم در زندگی خود از پول ودارایی چیزی پیدا نکردم که دربارهٔ آن بنویسم، اما چیزی که دارم یک مادر سر سفید دارم که خدمتش را میکنم، یک همسر عزیز دارم که خدمت مرا میکند، یک پسر جوان وتحصیلیافته دارم که به او افتخار میکنم، ویک وطن دربند دارم که از دردش می سوزم. اگر میخوام در مورد این چهار چیز نوشته کنم، هر قلدر میخواهی مینویسم. پروفیسر خاموش شد ودر فکر فرو رفت، از جایش برخاست وبه قدم زدن پرداخت، جرخید وقدم زد، بعد روبروی هدایت نشست ودست رازیر الاشه گذاشت، نفس عمیقی کشید وبه هدایت گفت: آقای رحمانی آنچه که تو داری من ندارم، ایکاش که من مثل تومی بودم، تو غنی هستی وما فقیریم!

وقتی هدایت این قصه را برایم گفت، من در او احساس خوشی وافتخار را درک میکردم. گفت: من پول وهستی در زندگی جمع نکرده‌ام، آنچه جمع کرده‌ام دوستان وعزیزان من هستند که در کنج وکناردنیا میباشند، با آنها اتقدر مصروفم که هرگز وقت فکر کردن پولدار شدن وثروتمند شدن ندارم، این عزیزان همه پولهای من وثروت من هستند. روح هدایت الله رحمانی بگراموال شاد وخداوند متعال فردوس برین را نصیبش بدارد، آمین یا رب العالمین. /

به یاد مردی عالیجناب

در سال ۱۹۸۸ وقتی در(افغان سنتر) دفتری برای کمک وخدمت به مهاجرین تازه وارد به کالیفورنیا در شهر یوین ستی تأسیس شده بود، با همکاری دوست مرحوم زلمی پوپل، مدیریت (مجلهٔ خراسان) را بدوش گرفتم، واین طریق با هموطنان مهاجر در ایالات مختلف آشنایی فراهم آمد، یکی از نخستین مهربانانی که تلفونی به من اظهار محبت کرده وانتشار اولین شمارهٔ مجله را (ستون سوم)

دا کتر غلام محمد دستگیر

دوست ما هدایت بگراموال جان بحق سپرد
انالله و انا الیه راجعون



جز ناله ازین غمکده آواز نیاید
زین پرده یکی نغمهٔ دمساز نیاید
مرغی که شود بستهٔ این دام، دریغا
تا حشر دیگر بر سر پرواز نیاید
با تأسف المناک و تأثر عمیق مطلع
شدم که دوست عزیز وطندار
گرامقدر هدایت بگراموال به روز چهارشنبه ۲۸جنوری ۲۰۱۵، مطابق ۷دلو ۱۳۹۳، مطابق ۸ربیع الشانی ۱۳۳۶ به درالقا سفر کردو برحمت و بخشایش ایزدی پیوست.

مراسم جنازه و تدفین به روز یکشنبه اول فیورری در مقبرهٔ مسلمانان واقع لانگا بلند به امامت فضیلتآب حاجی اکبر شیرزاد صورت گرفت و مراسم فاتحه داری درمرکز اسلامی دارالتقوی در فلاشنگ نیویارک از ساعت ۱ الی ۳ بعد از ظهر انجام یافت. در مجلس عزاداری تعداد غفیری از اعضای فامیل، دوستان، رفقا، اقربا، همکاران و وطنداران شرکت ورزیده با تلاوت قرآن پاک درود و تهنیت ها نثار روح شادش نمودند.

هدایت بگراموال، بروز سیزدهم مارچ ۱۹۵۲ در قریهٔ غلام علی خان که جد امجد متوفی و از خوانین بگرام بودند، تولدشد. بعد از ختم تعلیمات ابتدائی از لیسهٔ نعمان شهر چاریکار، داخل لیسهٔ عالی حبیبیه گردید. پس از فراغت از مکتب شامل دانشکدهٔ علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه کابل شده به تعقیب فراغت، مدتی را در بست مدیریت عمومی وزارت تجارت ایفای وظیفه نمود. در ۱۹۷۶ برای تحصیلات عالی به یونیورسیتی نیوجرسی وارد امریکاشد، و ماستری اقتصاد را از Drew University بدست آورد. در حین جهاد پدرش عبدالرحمان بگراموال وکیل شورا از طرف دشمنان وطن و اسلام به قتل رسیده جام شهادت نوشید. این ظالمان بد کردار کمونست و طالبان غولیکر چندین نفر از اعضای فامیل وکیل بگراموال را نیز به شهادت رساندند. نظر بشرایط ناگوار بوطن بر گشته نتوانست ودر امریکا مسکن گزید و با خانمش هیلینور که یک قانون دان قوانین مهاجرت بود ازدواج کرد و تا دم مرگ سی و دو سال را در جوار مهر و محبت یکدیگر سپری نمودند. حاصل این ازدواج یک فرزند است که مارتین امین رحمانی نام دارد.

روانشاد هدایت رحمانی بگراموال عقیدهٔ راسخ داشت که افغانستان بزور بازو وشهامت مجاهدین تحت قوماندانی آمرصاحب احمد شاه مسعود (شهید، قهرمان ملی افغانستان) و دیگر مجاهدین کرام، وطن را از شر کمونستها رها نی بخشیده طالبان را بگودال تباهی رهسپار میسازند. او یک ضد سرسخت کمونستها و طالبها بود. او ارتباط عمیق قلبی خود را با مردم افغانستان مخصوصاً لیدران تا اخیر حیات نگه داشته هنگام ورودشان به امریکا از هیچ نوع کمکهای مادی و معنوی دریغ نکرده است. کسانیکه او را از نزدیک میفشانند میدانند که او یک مرد وطندوست، مهربان، معتقد وسخاوتمند بود. با من همیشه در مجالس یادبود احمدشاه مسعود شهید قهرمان ملی افغانستان که با هم میدیدیم باجهرةٔ خندان و الطاف ومهربانی وافر تقدیر چیا میآورد. آن خاطره ها همیشه با من چون خزینهٔ بی بهائی همراه خواهد بود.

باهر کسیکه درباره اش صحبت کردم، اورایک مرد مومن ومسلمان راستین، وطندوست، برادر مشفق، شوهر نایب مهربان و رفیق با وفا تعریف میشدیم. به یقین این اوصاف و شخصیت او توشهٔ بود برای بهشت برین. برای دوستان و بازماندگان وی بخصوص مادر، خانم، پسر، برادران وخوهرانش تسلیت عرض نموده صبر جمیل و اجر جزیل برایشان از دربار الهی تمنا دارم و با این چند بیت استاد خلیلی نوشته‌ام را یا یان بخشیده، از محترم فواد رحمانی بگراموال ومتین رحمانی که در قسمت تهیهٔ این چند سطر با من همکاری نموده اند یک جهان سپاسگزارم.

در سینهٔ این خاک نهان است جهانی
دردا که نظیرش به جهان باز نیاید
هر قوم که روشن نکند نام بزرگان
در مجمع اقوام سرفراز نیابد

تبریک گفت، مرد مهربان، اما ناشناسی باتام هدایت الله رحمانی بگراموال از نیویارک بود، واین آغاز آشنایی بود که به مرور به دوستی وبالاخره به برادری صمیمانه رسید. هنگامیکه انتشار امید در سال ۱۹۹۲ شروع شد، هدایت جان پستی بانی ودستگیری بیدریغ خویش را ازین نشریه ادامه داده وحتی دوهفته پیش از وفاتش نیز اعانهٔ خود را به امید ارسال نمود.

باری، اولین بار هدایت رحمانی را دریکی از تظاهرات افغانها در برابر کاخ ملل متحد در نیویارک در سال ۱۹۸۹ دیدم، که از کالیفورنیا برای دیدن اقارب به ورجینیا آمده بودم، و همراه با داکتر رهین و شادروان نجات الله خلیلی برای شرکت در آن مظاهره برای یکروز به آنجا رفتم. با محبتی ازمن استقبال نمود که گویی سالهای سال با یکدیگر بوده‌ام. در سالهای بعد وقتی به رهنمایی قهرمان ملی شهیداحمد شاه مسعود، گردهمایی های متواتر برای بحث بر ایجاد حزب نهضت ملی افغانستان وتهیهٔ مسودهٔ اهداف وخط مشی نهضت در افغانستان بعد از جنگ، درلندن برگزار می شد، مدام همراه بودیم که در نتیجهٔ تبادل افکار، چنان بهم پیوند شدیم که ناگفته حریف رادرک مینمودو من حرف دل ناگفته اش را درمی یافتم، البته تمام (حرفها وحديثها) در بارهٔ وطن بود ومقاومت ملی مردم افغانستان.

باشهادت جانسوز قهرمان ملی، همچو تمام مینهدوستان ودوستانان مسعود بزرگ، باهم میگریستیم وباهم خون دل میخوردیم. از نخستین محفل سالگرد شهادت مسعود شهید در ورجینیا تا همین سال پیش، هدایت رحمانی در تأمین مخارج این محافل سهم گرفته وحدا کثر کوشش مینمود به ورجینیا آمده باحضر دیدن نموده وسخرانی ایراد بکند.

شش ماه پیش میخواستم برای ادای فریضةٔ حج بروم، ویزه باید از قونسلگری عربستان سعودی در نیویارک میگرفتم، تکت رفت وبرگشت به جده راخریدم، به هدایت اطلاع دادم که صبح ساعت ده به نیویارک میرسم وبا یه بلافاصله به قونسلگری بروم. او چند دقیقه پیش از رسیدنم، به میدان هوایی آمد ومنتظر شد، تا اینکه من رسیدم وبامصافحهٔ صمیمانه مرا به داخل مهناتن به قونسلگری برد، ویزه گرفتم، تاریخ پروازم پنج روز بعد بود. هر چه ازش خواستم بگذارد به کدام هتل ارزان قیمت بروم، نشد ومرا به اپارتمانش در وود ساید برد و پنج روز با او بودم. طی آنروزها فرصت دیدار با استاد ستار جفایی ودیگر دوستان را برایم فراهم آورد. روزموعودمرا به میدان هوایی برد، اما از آنجا که خواست خداوند نبود، مسئولین هواپیمایی عربستان گفتند، همین الان که توبه اینجا رسیده‌ای، سرحد بین جده ومکهٔ معظمه بسته شد، وهیچ امکان ندارد کسی فردا به داخل مکه اجازهٔ ورود بیابد.

با دلشکستگی ساعتی آنچانمانم تا بلکه فرجی پدید آید، اما نشد، هدایت تلفونی احوالم را گرفت ووقتی فهمیدخواست خداوند(ج) نبود(دنباله در ص ۷)

دربارهٔ حکومت وحدت ملی (دنباله ازصفحهٔ دوم)

سیستم مکافات و مجازات موجوداست و کار اشخاص وقتاً فوقتاً ارزیابی می شود. شایسته سالاری به اساس ظوابط انجام میشود. اما برعکس، دریک دولت غیرملی، شایسته سالاری بیشتر درشعار باقی میماند، و اگر از آن استفاده هم شود، به مفهوم ومعنای اصلی آن نمیباشد.
بعبارهٔ دیگر، شایسته سالاری که هدف آن انتخاب اشخاص شایسته برای خدمت به مردم است، بکارنمیرود. شایستگی یک شخص به آن ارتباط دارد که تاجه حد به شخص و اشخاصیکه اورا استخدام می کنند، مفید واقع میشوند. خلاصه اینکه شایستگی دریک دولت غیرملی افغانستان درگیر روابط است نه ظوابط .

احزاب سیاسی نیزدردولتهای ملی وغیرملی تفاوت دارند. دریک دولت ملی مثل امریکا، تعدد احزاب از دو تاسه تجاوز نمیکند. احزاب همه شمول اندو ممانعتی برای عضویت در آنهاوجودندارد. فرق احزاب دراهداف وطرق رسیدن به آنهاست. مثلاً دمو کراتها طرفدار اقلیت هاومخالف لشکر کشی امریکا در خارج است. همچنان دمو کراتها ازیک حکومت مرکزی قوی حمایت می کنند، امابرعکس جمهوری خواهان مخالف این طرز تفکراند. همچنان منابع تمویل احزاب روشن ازداخل کشور تأمین می گردد. اما دریک دولت غیر ملی مثل افغانستان، درحال حاضر احزاب سیاسی به مفهوم اصلی وجودندارند، آلهایی هم که قبل ازانتخابات ریاست جمهوری عرض اندام کردند، تعداد آنها زیادبود. همچنان احزاب سیاسی درافغانستان رنگ وبوی قومی، مذهبی یاستمی دارند و اکثر ازطرف کشورهای خارج تمویل میشوند .

فرق دیگر دولت ملی وغیرملی، درخوهٔ انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی میباشد. دریک دولت ملی انتخابات آزاد(شفاف) و عادلانه است، هر کسی میتواندخودرا برای یک کرسی نامزد کند و حکومت در آن دخالتی ندارد . همه شهروندان کارت هویت برقی دارند و انتخابات کمیو تری میباشد. نامزدان رقیب درمیز مدور اهداف وروش های رسیدن به آرایایان میدارند واز آن دفاع میکنند، تارای دهندگان موقف هر نامزد را فهمند، ونیز سوابق تعلیمی و کاری هر نامزد را مطبوعات در زیر ذره بین قرار میدهند .

واما دریک دولت غیرملی، اکثر ا شفاف وعادلانه نیست، حکومت نامزدها را کنترل میکند وهر کس نمیتواند خودرا کاندید کند. برای کاندیدان شرایطی وضع میشود، کاندیدان رقیب درمحضرعام بایک دیگر به مباحثه ومشاجره نمی پردازند و بیشتر مصاحبهٔ جداگانه را با مطبوعات انجام میدهند. مصارف مبارزات انتخاباتی معلوم نمیباشد تافهمیده شوداز کدام منبع تمویل میگردد. در انتخابات اخیر پول دولت از طریق وزارت مالیه درمبارزات یکی از نامزدها استفاده شد. هم چنان کشورهای دیگر نیز مصارف مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری را تمویل کردند. برعلاوه حکومت نیز درانتخابات مداخله کرد. از همین لحاظ تقلب گسترده صورت گرفت وانتخابات ریاست جمهوری به بن بست کشیده شد .

خصوصیت دیگر یک دولت ملت ملی آنست که همه شهروندان به دورقانون اساسی، بیرق وسرود ملی جمع میشوند، ودراعمال و کار های خود منافع علیای کشور راتر جیح میدهند، یعنی به آن وفادار می باشند. اگر منافع علیای کشور به مخاطره قرار گیرد، هم شهروندان در همه جا که باشند به پامیخیزند. طور مثال، فرانسوی هالین کار را هفته گذشته انجام دادند، بعداز اینکه دهشت افگنان به دفتر مجلهٔ چارلی هبدو و یک مغازهٔ خوراک یهودی حمله کرده وهفده نفر را کشتند، ملیونها فرانسوی به جاده هار یخندند تاهمبستگی خودرا تمثیل بدارند.

اما دریک دولت غیرملی، شهروندان عوض قانون اساسی، بیرق وسرودملی، به دور فامیل، قوم، مذهب، ست واید یالوژی جمع می شوند وبه آن وفادار هستند و کسب هویت میکنند. مردم دراعمال و اجرات خود این همبستگی هارا نسبت به منافع علیان کشور ترجیح میدهند. از همین رو درافغانستان ما اول پشتون، تاجیک، هزاره ... و هستیم، بعد افغان، یعنی پشتون افغان، تاجیک افغان وغیره، نه افغان پشتون، افغان تاجیک ... این نوع همبستگی وحدت را ازین میرود زمینه رابرای مداخلهٔ کشورهای خارجی هومار میسازد. معطلی کابینهٔ حکومت وحدت ملی، بن بست درانتخابات ریاست جمهوری، حملهٔ شوروی سابق، مداخلات پیشروانهٔ پاکستان همه وهمه ناشی از فقدان وحدت ملی میباشد. باید متذکر شد که درجملهٔ این همبستگی قومی و سمتی خطرناکترین آنها که در تاریخ کشور عزیزما جار وجنجال هایی را خلق کرده است .

مطلب دیگری را که به ارتباط دولت ملی وغیرملی نباید فراموش کرد، اینست که وحدت ملی رانمیوان با تضرع، التجاء و دعا ایجاد کرد. طوریکه دیدیم این یک پروسه است باحاکمیت قانون، حکومتداری خوب، عدالت اجتماعی، انتخابات شفاف وعادلانه، شایسته سالاری، تعهد به منافع ملی وغیره عناصر مردم سالاری ایجاد میشود. امان الله خان خواست تاتهذاب یک دولت ملی رادرافغانستان بگذارد، اما اثرات مداخلهٔ انگلیس وروحانیون نا کام شد .

زمینه برای ایجاد یک دولت ملی بعداز سقوط طالبان وایجادحکومت های مؤقت، انتقالی وانتخابی خیلی هم مساعدبود، اما حامد کرزی همهٔ توجهٔ خودرا به ادامهٔ قدرت، پول اندوزی، کبک پلو(نه مرغ پلو !) معطوف وبه خواب غفلت فرو رفت، نتیجه آن شد که افغانستان درمزرهٔ بدترین دولت غیرملی قرار گیرد ! در کدام کشور دولتمردان بشمول رئیس جمهور تابعیت دو گانه دارند؟ رئیس جمهور کدام مملکت جولاهای پول ازخارجی هامی گیردوهم به جرئت به آن درمحضرعام اعتراف می کند؟ رئیس جمهور کدام کشور درمحضرعام می گوید: پولی را که میگیرید، آنرا درداخل کشور سرمایه گذاری کنید؟ (این اعلان رشوتخوری برای زیر دستان است) ! کدام کشور درفساد اداری درجهان در ردهٔ بالاقرار دارد؟ (این مسایل افغانستان را به [چورستان] تبدیل کرد!) در کدام کشور دولتمردان حتی رئیس جمهور برای کشورهای همسایه، منطقه و غرب جاسوسی میکنند؟ کدام کشور در تولید موادمخدر درجه اول است؟ در کدام کشور ممالک دیگر درتعیین رئیس جمهورو کابینه دست دارند؟ وبالاخره، در کدام کشور دوصد(جهدادی و تکتو کراتهای غربی) دولت رابعاذ نشست بن آلمان درانحصار خود قرار داده وسی میلیون نفوسکشورا گروگان گرفته اند؟

از آنچه گفته آمد، برمیآید که بنابر نبود وحدت ملی، امکانات مؤثریت حکومت وحدت ملی میسر نمی باشد. ازطرف دیگر اکنون عوض یک رئیس جمهور و دو معاون مثل دورهٔ کرزی، دورئیس و چهار معاون که جماعهٔ نفرمی شوند، حکومت رابدست گرفته اند. اگر ضیامسعود راینزبان بیفزاییم، تعداد آن به هفت نفر میرسد. این امر دو مشکل راخلق میکند: اول اینهامیخواهند جیههای خود را برکنند واز آنجاییکه کمکهای خارجی نسبت به دور کرزی به مراتب کمتر است، رقابت راشدیدتر ساخته باعث تنشهای متعدد میگردد. ثانیاً وقتی تعداد دولتمردان زیادباشد، نظریات وسلیقه هانیز بیشتر میشود. این امر به نوبهٔ خود اختلافات نظر رایشتر ساخته، تنش ها رایار می آورد وباعث بن بست میشود .

درپهلی تقلیل کمکهای بین المللی، وضع امنیتی کشور نیز روبه خرابی است وبه حملات انتحاری وغیر انتحاری افزایش بیشتر بعمل آمده است. همچنان علاوه برطالبان افغانی و پاکستانی، گزارشها نشان میدهند که دولت اسلامی داعش نیز می خواهد درافغانستان به فعالیت آغاز کند .
=====

ما چه به دست آوردیم ؟ (دنباله از صفحهٔ سوم)

بودند، تصمیم شوروپها در حذف حفظ الله امین، که جزء پالیسی تهاجمی شان بود، تفر مردم افغانستان را علیه کمونیستهای افغانی وقوت های اشغالگر شوروی

بیشتر ساخت .

مجاهدین بسیار شجاعانه در برابر شوروی که قوایش در پیروزی جنگ دوم جهانی کمک کرده بود، جنگیدند. فرقهٔ چهلُم شوروی یک قدرت مدرن مهپز با سلاح پیشرفتهٔ روز، با استفاده از منابع عظیم علیه یک جامعهٔ فقیر و عمدتاً بیسواد، به تهاجم دست زد. مردم افغانستان که از پذیرش نظام شوروی سرباز زدند، قیمت خیلی گزاف پرداختند، مگر در تصمیم شان در شکست دادن اتحاد شوروی هیچگاه تزلزل وجود نداشت . سربازان شوروی هم دلیرانه در دههٔ هشتاد به جنگی پرداختند که پیروزی در آن ناممکن بود.

مردم افغانستان وحامیان شان درواشنگن، لندن، بیجنگ، اسلام آباد، ریاض وجاهای دیگر باشکبایی اوضاع راز بر نظر داشتند. مردم یک جنگ فرسایشی را با احتیاط و تأمل پیش بردند. جنرال ضیا باناتکید تقاضا میکرد که دیگ(طرف) جنگ زودتر به جوش آورده نشود. زمان به زیان ماسکو ونفع باغیان بود. مردم را دادن خون، شکبایی هارا تحمل کردند. در برابر این سؤال که چرا سازمان سیا در جنگ دههٔ هشتاد در افغانستان کامیاب شد، کپلنگ Kiplingجنین می نگارد : (در آن زمان مردم جوقه جوقه دردامن کوه هاو تپه ها بخاطر جنگ اجتماع میکردند، ما تنها سلاح، مهمات و یک مقدار خیلی قلیل پول نقد تهیه می نمودیم. امریکا جنگاوران آزادی را کمک نمود تابه پیروزی نایل شوند.)

جنگ افغانستان در دههٔ هشتاد اولین جنگ سری نبود که امریکا به آن مبادرت ورزید، و آخرین جنگ هم نخواهد بود. امریکابه قوت های مقاومت زیرزمینی در مناطق دیگر وزمانهای دیگر کمک کرده است، تا مهاجمان خارجی و د کتاوران بیرحم را سرنگون گردانند. پیروزی به چندین عامل ارتباط دارد، که شامل دشمن واقعی، متحدین واقعی و باغیان صبور ومصمم میباشد. برای کسانی که از آنهاخاطره دارند، درس های جنگ مردم افغانستان، در آینده ها در اذهان شان ماندگار می شود. / پایان

=====
دیوار آرزوها (دنباله از صفحهٔ دوم)

گفتم، اما متأسفانه نشنیدند. شما که ایشان رامتهم ساختید که نشنیدند، شما که شنیدید حرف مرا وشما دیدید عدم فعالیت در ساخت حزب سیاسی را، من یقین دارم که دا کتر عبدالله درین مورد یادحق نداشته چرا که مسعود مشغول جنگ داغ بود .

حالا دربارهٔ آقای احمدزی میگویم:
آقای احمدزی شما که بالاخره شهرت تان بالاگرفت تاحدی که بخود جرئت دادید خودرا بحیث کاندید سر مشیت ملّی متحد معرفی بکنید، کار بسیار کلان و ادعای بسیار بزرگی بود، مخصوصاًبه کشوری مثل افغانستان که هیچیک پناه جز خدا در میان ۱۹۴ نمایندهٔ ملل دنیا ندارد، نمایندهٔ افغانستان بنابر خردی خود، هیچی وپوچی خود، پسمانی های عمیق خود، خصوصاً این حالائیکه بعداز تهاجمات شوروی برافغانستان آمد، شما در چنان یک حالت خواستید خودرا کاندید کنید ! آیا هیچ متوجه نشدید که هیچ دمو کراسی در جهان بدون یک برنامهٔ ملی، حزب سیاسی، یک ایدئولوژی وبه خصوص بدون شناخت تان از مردمان همفکر تان در داخل افغانستان، کشوری که امروز مسئولیتش رابدست گرفتید، متوجهٔ تان میشود وشما به این ضرورت دارید. شما می آیدسهِ ونیم ماه تمام به دیوار آرزوها لگد میزنید، دو نیم ماه بعداز انتخابات دراز و طولی وبسابقهٔ افغانستان، که صدمات ولگدهای بسیار بردیوار آرزوها ودمو کراسی وقانون اساسی آن وارد اند، تازه شروع میکنید به اینکه برای یافتن اشخاصیکه لایق وزارت باشند از آنرا امتحان بگیری د ! چرا لگد میزنید به پیچاره دیوار آرزوها به پیچاره قانون اساسی افغانستان . امروز شما به همکاری آقای دا کتر عبدالله که ناجایز ونامشروع وطور غیرقانونی یک حکومت دوسره و دور هری رادرافغانستان تشکیل دادید، شما چرا به نامهٔ من که در همین جریدهٔ امید به شماودا کتر عبدالله نوشتم، جواب ندادید؟ همچنانکه به همچو تقاضاهای مشابهٔ مردم افغانستان جواب ندادید . شما می آیدید داخل پارلمان میگویید: آنچه قانوناً لازم بود من کردم، و آنچه قانوناً متوجهٔ شماومسئولیت شماست، وشما هستید که حق دارید در مورد حکومت فیصله کنید ! نه خیر ! نه ! کار شماخلاف قانون اساسی بود تشکیل حکومت شما آتهم توسط دو نفر مخالف باموا دقانون اساسی بود. پارلمان ومردم پیچاره راشما امروز به یک خطری انداخته اید که نمیدانند با این حکومت شما چه کنند !

من امروز برای اولین بار میگویم آنچه که در قانون اساسی افغانستان راجع به رئیس جمهور آمده، صراحت دارد، آنچه دربارهٔ وزرا آمده بسیار واضح گفته شده که وزرا باید تابعیت افغانستان راداشته باشند، و در حالائیکه دو تابعیته میباشد، ولسی جرگه تصمیم میگیرد، اما در شعاع فرمایش مواد ۷۱و ۹۱و ۹۲ دیده شود که وزیر افغان باید تابعیت افغانستان راداشته باشد، بامراجعه به روش وسنن و فرهنگ سیاسی و قانون اساسی، سابقه ندارد که یک وزیر دارای دو تابعیت داشته باشد، لذا علی الوصف آنچه گفته آمد، امروز بعد از تجربهٔ ۱۳سالهٔ بخصوص حکومت دهسالهٔ آقای کرزی، که چه خطاهایی بود که در آن دیده نشد، پارلمان وقتی میگوید ماتصمیم گرفته ایم بصورت قبلی وپیش از بحث بر هر یک از وزرا هیچ دو تابعیته نمیتواند در معرض امتحان ماقرار بگیرد، و رد میکند کنگور کلی، و میگوید بابکی دومثال زندهٔ که دربارهٔ بانک مرکزی ومثالش داشته ایم، نمی خواهیم دیگر ملت ما سردچار بیچارگی شود، ووزیری که کار درست نکرده گریخت، یا وزیری که جواب نمیدهد چون دو تابعیت دارد، خود را دیگر به این جنجال نمی انداز ایم. من طرفداری میکنم از موقف پارلمان، وباز هم میگویم که آنچه آقایان احمدزی وعبدالله کرده اند بیحیث دوتحصیل یافته وبیحیث دودا کتر، وبیحیث کسانیکه مفهیمیدان پارلمان چه عکس العمل خواهدداشت، چرا وزیران رامسخره ساخته وروان کردند به پارلمان برای وزیر شدن در حکومت؟

اما دونکتهٔ دیگر اینکه شما ببینید چند نفر ازوزیران ما، بنابر حالت بسیار حدادی که مردم دارند، بخصوص در مساحت امنیتی، اقتصادی وبه عدلی وغیره، چند نفر اینها واقعا دارای صلاحیت لازم مندرجه در دیوار آرزوها یاقانون اساسی هستند؟ مثالی میدهم: یکی ازوزیران تردید بنام آقای پوپل، آقای پوپل انسان بسیار خوری است، یک وقتی شاگرد من بود درفا کولتهٔ حقوق. زمانی به صدای امریکا آمدبا آقای اسماعیل ا زهرات ونواسهٔ ظاهر شاه پادشاه سابق، در یک گروه مختلط ونامتجانس آمده بودند، بعد از اسلام برایش گفتم یک چیز برایت می گویم: پول نخوری رشوت نخوری ! اگر خوری پیش من نیایی ! امیدوارم این صحبت مرا روزی درامید بخواند. خندید و جواب شیرینی داد گفت: کوشش میکنم ! این آدم حقوق خوانده، افغانستان امروز از نظر اقتصادی وپولی و تجاری یک کارشناس کار دارد، کاش آقای پوپل را وزیر عدلیه میساختند، رشته اش حقوق است، از برای خدا ! آرزو مند آقای پوپل مرا ببخش که نامش را گرفتم، دوستش دارم . میآیم دربارهٔ دیگران که نام نمیگیرم، کدام از اینها در رشتهٔ خود کاندید شده اند، بجز وزیر دفاع که معلومدار لوی درستیز بوده، کار کرده، گرچه در مقاباش ابراداتی است، امیدوار هستم روزی در برابر ملت صحبت بکند، شنیدم همکار بوده باخلقیها، خوب اجبار یا توافق فکری بوده، اما ملت خون داده و کشته داده بسیار بهاز بر خاک شده، او باید از ملت معذرت بخواهد .

آقای علومی، فرزند خردمکب استقلال، که باری باهم صنفی بودیم باید آگاه باشد که یک دلشکستگی درین مردم است، اول از نظر مسلک انسانی که در اردو فعالیت نظامی اش بیشتر در وقت کمونیست هامطرح شد، تا آخرین لحظه

که در برابر نجیب کود تاشدۀ بود، ومن وهاب هادی در صدای امریکاهر روز از طریق اخبار حرف میزدم، اینها وفاداربودندبه آقای نجیب، اینها میدیدند که چه میگردد، اینها کشته هارا دیده اند که از پیشش شان برده شد، خم به ابرو نیاوردند، اما وقتیکه نجیب ضعیف شد، کودتایی در شمال شد، و اینها امروز وزیر داخله شده اند، در هر دو جهت مردم آزرده است، آقای علومی می تواند از رسانه های جمعی داخلی ما از مردم بپوزش بخواهد وبعدبرود به وزارت داخله وبکارشروع کند. اما باز هم این مسأله میماند که رشتهٔ شان اردو است، مسایل نظامی است، چروازارت داخله؟ یعنی چه؟ این وزارت کارهای بسیار بالاتر از مسایل امنیتی هم دارد، نقش وزیر داخله در تعیین والی هابسیار مهم است، درست است پلیس امنیتی وغیره مربوط وزارت داخله است اما آقای علومی برای کارهای دیگر متخصصین دروزارت داخله جمع بیاورد.

سیاست حکومتداری آقایان عبدالله واحمدزی نمیدانم چطور شکل یافته که باید هیچ خبری از مسایل حکومتی به دسترس مردم گذاشته نشود ! یعنی مردم از علت العلل فعالیتهای اینهادرامور حکومتداری باید خبر نگردند ! آقای عبدالله شما که قانون اساسی امریکارا در مرحلهٔ اول پذیرفتید، ونقش مشاوران شناسرادر تدوین قانون اساسی افغانستان در ۱۳-۱۴ سال پیش قبول کردید، آیا فراموش کردید یکی از نکته های باهمیتی که در قانون اساسی وارد شده، فیصله نامهٔ آزادی اطلاعات ومعلومات است، چرا دلیل واسباب هیچ یک از فیصله های خود را در مسایل تجاری، رفت وآندهای سرسام آور یک رهبر به چین و پاکستان و عربستان و امارات، ونیز سفر لندن که بکجا بامهم رفتید، چرا به مردم نمیگویید چه گفته شده، چه شنیده شده، پالیسی شماها چیست؟

این حق نمایندگان ملت وخود ملت است که از طریق تلویزیونها و رادیو و بلوتها که از میان این دو قصر، یکی قصر کهنهٔ افغانستان است که امیر عبدالرحمن خان اعمار کرده بود وامروز از آن بوی خون می آید ازسکه در آنجا کشته هاشد و بندی هاشد ورسوایی هاشد، یک قصر مجلل دیگر سفید رنگ بنام قصر سیدار، وتعلق دارد به آقای عبدالله، ازین دو قصر بایداستفادهٔ شایان بکنید، تلفون مستقیم رابا مردم قایم بکنید، مردم را در جریان بگذارید که چه میخواهید؟ چرا میرو بدبه بیرون؟ وقتی پس آمدید، چه تصمیم دارید؟ از مردم و پارلمان نظر بخواهید و پیرسید که ما کار درست میکنیم یا نه؟ فراموش نکنید که دیوار آرزوها شما را مؤظف به کار کرده، شماقانون اساسی را پیاده نکرده، بلکه تاحال زیر پای کرده اید، شما مجبوریت دارید در برابر قانون اساسی وحاکمیت ملی مردم که اینهارا حالی بسازید که آنچه ما انجام میدهیم، آرزوهای شماست که بر روی دیوار آرزو ها ثبت شده و در قانون اساسی مندرج شده، وما به پیروی از آن وحکم شعراهایی که میدادیم که ما خدمتگارشما هستیم وخواهیم بود، ما بادار نه بلکه خدمتگار شما خواهیم بود ووظیفه داریم من غنی احمد زی ومن عبدالله عبدالله که به بادار های خود(به کلمات خود شما) یعنی مردم افغانستان بگویم که چه جکاره هستیم، چه تصمیم میگیریم، وعکس العملش امروز در داخل وخارج چه بوده است و امروز در کجا قرار داریم .

در آخرین کلام، یکتعداد از پیچاره هاییکه زنده مانده اند و در جملهٔ دو ودو نیم ملیون کشته نبوده اند، و در دروازه های افغانستان بحالت نیمه جان افتاده اند، اینها سرنوشت شان معلوم نیست. آقای کرزی با وزیر خارجهٔ خود که آقای زلمسی رسول باشد، تا امروز تا کید میکنم تا امروز به ملت نگفتند که رفت وآندهای بیهودهٔ مابه ایران، بجز از حصول پولهای فراوان برای حفظ ادارهٔ خود ما در ریاست جمهوری، چه مفادی را در حق دو ونیم تاسه ملیون پناهندهٔ ما که بعضی هادر جنگهای عراق وبعضی هادر جنگ سوریه هر روز کشته میشوند، و ایرانیا وقتی ددندند کارت سیاسی شان ایجاب میکند ازین مهاجرین استفاده کنند، اینها را در برابر اولادشان تحقیر و تعجیز کرده وحکم می دهند که از ایران برآیند، تأثیر رفت وآندهای شما چه بوده بر آنها؟ آیا پرداخت پولهای ایران قبلاً به تصویب پارلمان ماریسیده بود؟ کدام مرجع افغانی توشیح کرده بود در برای دیوار آرزو ها یاقانون اساسی، که بلی شما نمیتوانید مخفیانه این پولهارا بگیرید ! قانون اساسی حکم میکند بر کرزی که در طول دوره های سه گانهٔ شان در گرفتن پول مخفی از منابع مختلف انجام داده، جوابگوی ملت باشد. کارهای کرزی در دوران زمام داری اش ایجاب میکند تا یک تحقیق ملی روی آن صورت بگیرد.

امروز صحبت من متوجه آقایان احمدزی وعبدالله است که کاری نکنید که تأریخ عین قضاوت را در مورد شما هم بکند. خواهش وهاب هادی بحیث یک مدرس حقوق اساسی درفا کولتهٔ حقوق کابل از شما اینست که راه حقوق رادر پیش بگیرد و از همین حال به جای تهدید و ترساندن وزرا که در پایان هر شش ماه اگر کاری نکرده باشید بر طرف هستید، و با الهیای هرات وفراه با جمیع همکاران شان بدون عملیه وپروسی که در قانون اساسی درج است، اینها به یکبارگی وبا یک حکمی که (پچهٔ آدم نباشم) اینهارا بر طرف میکنید خلاف قانون اساسی وروش حقوق افغانستان است، که در قانون اساسی گفته شده هر انسان تا وقتی که محکمه در موردش قضاوت و اصدار حکم نکرده، بیگناه است، طبق قانون عمل کنید. آقایان عبدالله واحمدزی در آخرین کلام در همینجا از شما میخواهم به ملت افغانستان وعده بدهید که در ختم ریاست جمهوری و کار کردن شما دو نفر محکمهٔ خاصی باید تشکیل شود وشماها باید بحساب خود را بر مردم پاک کنید، هر وزیر شما از پنجسال کار خود به ملت جواب بدهد، در غیر این، دورهٔ شما با دوره های گذشته که شمار آن انتقادات داشتید، شبیه خواهد بود.

تکرار امیگویم وقت ضایع نشود، کارهای بنیادی کنید، ملت مابه یک خط ریل آفتدر ضرورت ندارد که میخواهد دوباره بر حکومت افغانستان، که شما امروز آنرابدست دارید، اعتماد پیدا کند، ملت می خواهد دوباره بسیج شود، یک قدرت شود، شما بامهمچو یک عمل اساسی که جلب اعتماد مردم است، آیندهٔ افغانستان رامیخواهید، تمام کار شما در داخل و در خارج کار کرده اید، نمی توانید بقای افغانستان راتضمین بکنید. من به خیر هدوی شما ملت می دانم که اگر راه دیوار آرزوهای مردم یعنی قانون اساسی رادر پیش گیرید و نگذارید باز هم مردم گربه کنان فریاد سر بدهند که :

زندگی چیست خون دل خوردن

پای دیوار آرزو مردن ! /

=====
یک اقدام خوب و یک اقدام بد مجلس نمایندگان
۲۹جنوری/ کابل - تلویزیون نور: مجلس نمایندگان در یک اقدام بر قانون انتخابات ماده ای را ایجاد کرده که به اساس آن کسانی که خود را به هدف راه یابی به مجلس نمایندگان نامزد می کنند باید سند لیسانس و یا یک دوره عضویت مجلس را داشته باشند.

اما این اقدام مجلس نمایندگان با واکنش های متفاوتی روبه روشده است. آگاهان سیاسی و اعضای مجلس نمایندگان هر چند اقدام مجلس به منظور ایزاد در قانون انتخابات مبنی بر وضع شرایط برای نامزدان به مجلس به هدف داشتن سند لیسانس را گام مثبت در امر قانون گذاری و رفتن به سمت پارلمان قانون سالار می دانند و می گویند در دو دوره گذشته، حضور شماری از افراد کم سواد در مجلس روند قانون گذاری را به مشکل مواجه کرده بود. به باور آنان ایجاب می نماید تا به پارلمان اشخاص و افرادی حضور یابند که کار بلد باشند و در راستای قانون گذاری تخصص داشته باشند .

بازگشت همه به سوی اوست

—وفات مرحومه بی بی آصفه ترین که نزد دوستان به ماه جان شهرت داشت ودر ساند یاگوی امریکا بروز یکشنبه ۲۵ جنوری بساعت یازدهٔ قبل از ظهردر لاویستا میموربال پارک بتکاح سپرده شد به خانواده های ترین،همسر،دخاتم،شهر،سادات،تایب،شیرزاد،احمدی، حبیب زاده،دستگیر ،دیدارو سایر بازماندگان شان صمیمانه تسلیت عرض نموده برای متوفی جنت برین تمنا داریم. امید

—وفات مرحومه سحر ملکیار رادر کالیفورنیا به خانواده های محترم ملکیار، پول، یوسفی ودانش صمیمانه تسلیت میگویم . امید

—وفات مرحوم مصطفی زرمتمی رادرافغانستان به خانوادهٔ محترم زرمتمی و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت میگویم . امید

معرفی دوکتاب (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

چاپ شده از اول همان برار گراف تاآخر به نظرشماعزیزان رسانیده میشود. اداره این باراول بود که بعدادورهٔ امیرعبدالرحمن خان، پدیدهٔ خشونت بعنوان عامل تعیین کننده در روابط اجتماعی دولت سربلند کرد و کار فرمایان جدید مجبور شدند جامعهٔ سرزور و کثیرالاقوامی افغانهارا تابع خودسازند، وبه حمایت یک قدرت خارجی پناه برند. و اما روابط به اصطلاح(برادران) بابک همسایهٔ بزرگ شمالی USSRتأیج مطلوبی بار نیآورد، وسر انجام منجر به قربانی های بیشمارى در کشور شد، وتغییرات نمایشی وعجیبی رادر ساختار جامعهٔ افغانی رویکار کرد و افغانستان را که یک دولت باثبات ومقتدرملی داشت، درپی ثباتی کامل سقوط داد. تحركات داخلی حزب دمو کراتیک خلق (که حاکی ازسیاست دوگانهٔ شاه بود) از یکسو، ومفارقت متحدانهٔ (عقیدوی) واسلامی به مقابل حکومت کمونیستها وحمايت شوروی از دیگر طرف، به اضافهٔ عوامل ناآشنای دیگر، باعث شد تاچنان حالتی دامنگیر افغانستان شود...

مؤلف گرامی درصفحهٔ۲۵۹ کتابش راجع به دپلوماسی شوروی و اختلافات بین دسته های گوناگون مقاومت مینکارد: (دپلوماسی جدید شوروی اختلاف و دوگانگی رادر بین جنبش مقاومت شدیدتر ساخت وباعث گردید تا انشعاباتی در سطح رهبری مقاومت وموازين سنتی ناشی ازاختلافات قومی قبایلی بروزنماید، وجدایی ناشی از فرقه گرای درین اقوام سنی وشيعه بیشتر گردد، وتعضبات مذهبی که ميتوانست به آسانی درجهت منافع دیگران درداخل وخارج افغانستان بکارگرفته شود، دامن زده شود. این درحالی بود که تلاش های سیاسی شوروی موضوع رقابت وبرخوردمنافع درین حامیان مجاهدین رادر تمام مناطق افغانستان تشدید نمود. وچون کشورهای پاکستان وعربستان سعودی حمایت شانرا از رهبران موردنظر درتنظیم های هفتگانهٔ مقیم پاکستان افزایش داده بودند، دولت اسلامی ایران هم گروه شیعه مذهب(حزب وحدت) رابرای اعمال هرچه بیشتر نفوذخودرا درروند سیاستهای افغانی که محتملاًبعذابجنگ شوروی درافغانستان متصوربود، برگزید. درجنوری ۱۹۸۹ اتحادهشتگانهٔ مجاهدین ایران ۱۲۰ کرسی منجمهٔ ۴۸۰ کرسی رادرشورای عمومی مجاهدین، که قراربود جهت تشکیل حکومت بعدازسقوط نجیب الله دایرشد، مطالبه کردند. زمانیکه این مطالبه ازطرف شورای عمومی ردگردید، گروههای شیعه این فیصله راتحریم نموده ازشورا خارج شدند).

همچنین راجع به پالیسی امریکا نوشته است: (ایالات متحدهٔ امریکا غرض دستیابی به منابع منطوقی وجهانی خود، برپیچیدگی اوضاع می افزود، زیرا سیاستی را که امریکادرقبال مداخلات شوروی اتخاذ کرده بود، بجای اینکه در آوردن صلح وثبات درافغانستان کمک کند، برمنافع هرچه بیشترامریکا به مقابل شوروی وقت استواربود، تاجاییکه واشنگتن افغانستان رابعدازخروج عساکر شوروی پاک فراموش کرده بود. اینگونه سیاست رامیتوانیم درقبال دادن اولویت هاوتوزیع سلاح به تنظیمهای مجاهدین به وضاحت مشاهده کنیم. امریکا اسلحه ومهمات جنگی راتماماً ازطریق پاکستان ومخصوصاً به وسیلهٔ سرویس استخبارات نظامی پاکستان ISIابه آئنده ازسران تنظیم های جهادی که موردنظر وتأيید پاکستان بودند، میرساند، وهیچ میکانیسم درستی درکارنبود تامیزان اعتبارومقیّدیت این اشخاص راکنترول نماید. ISIپاکستان که صلاحیت توزیع سلاح را کاملاً دراختیارداشت، به هرگروهیکه لازم میدید، سلاح بیشتریمیداد. ISIپاکستان سعی داشت ازموقف گلبدین حکمتیار بعنوان افراط گرایی که از آغاز طرفدارگوش به فرمان پاکستان بوده، حمایت کند وازین طریق جنبش مقاومت را کنترول نماید، وبعدازعقب نشینی قوای شوروی ازافغانستان، حکمتیاررابعنوان رهبر یک تنظیم باقدرت بر کابل مسلط سازد. دیری نگذشت که گلبدین حکمتیاربعنوان یگانه مردبیرومند که ششۀ قدرت بودوسلاح کافی و ثروت سرشاردراختیارداشت، تبارز کرد. ازطرفی موضوع عدم محبوبیت و عدم حمایت مردم ازحکمتیار، ویرابه عامل بی ثبات سازی جنبش مقاومت در جریان اشغال شوروی وبه یک نیروی ویران کننده در دوران مابعد حکومت کمونیستی کابل تبدیل ساخته بود.واشنگتن باوجودهوشدارهای مکرر حکومت بریتانیه به امریکا(از ۱۹۸۶ به اینطرف) وبدون اینکه به نظریات تلحیگران و سیاست مردان افغانی اعتنایی داشته باشد، به اوضاع افغانستان پشت نمود وحاتم بخشی ISIبرای حکمتیار را نادیده گرفت .

اتحادشوروی سابق در۱۵فبروری۱۹۸۹ عساکرش رامطابق پلان از افغانستان بیرون کشید، وبه یکی ازطولانی ترین دوره های اشغال خارجی درتاریخ معاصر افغانستان پایان داد. اگرچه ماسکو کوشش کرد شکست خودراآبرومندانه جلوه دهد، ولی واشنگتن پیشدستی کردواین شکست رابعنوان بزرگترین حقارت که شوروی دردورهٔ بعدازجنگ جهانی دوم تحمل کرده بود، قلمداد نمود. طوریکه اشاره رفت، بزودی علایق واشنگتن به موضوع افغانستان فروکش کرد، ومیزان کمکهای نظامی امریکابه مجاهدین که در زمان اوج گیری جنگ افغانهابه ششصد ملیون دالر میرسید، بعداز عقب نشینی شوروی بالدرنگ به ۲۸۰ ملیون دالر کاهش یافت. در سال ۱۹۹۲ این کمکها کاملاً قطع گردید، وبجز اقدامات بسیارناچیزی برای جلب کمکهای غیرنظامی امریکا وایجادیک میکانیسمی که بتواند انتقال نسبتاً بلون خونریزی قدرت رادر حکومت مجاهدین تضمین کند، وحواج انسانی برای افغانها رادر یک دورهٔ انتقال بر آورده سازد، صورت نگرفت. ایالات متحدهٔ امریکامیخواست راهی رایاباید وهرچه زودتر پای خودرا ازمعضلهٔ افغانستان بیرون کشد).

این بود معرفی مختصر ترجمۀ کتاب (افغانستان معاصر) نوشتهٔ جناب پروفیسر داکتر محمد امین صیقل، رئیس مرکز مطالعات اسلامی، عربی وپروفیسر حقوق وعلوم سیاسی دردانشگاه ملی آسترلیا، که به زبان انگلیسی انتشاریافته، و برگردان فارسی آنرا دانشمندپژوهشگر آقای محمدنعمین مجددی انجام داده است. موفقیت های بیشتری را به ایشان آرزو میکنم ./

ضایعهٔ بزرگ علمی (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

چار کابل، که افتخارتدریس لسان فرانسوی راجیث معلم خانگی اش داشتیم، بعد در فاکولتۀ طب کابل در کدر علمی همسلک شدیم، ودرعین زمان در کارتۀ

یلدی از مردی علی جناب (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

نبودتاسعادت زیارت خانهٔ خدای مرفقدحضرت رسول در آن سال نصمیم شود، به دلداری ام پرداخت و گفت ساعتی بعدبرادرانم میآیند و ترا پخانه می آورند، چنان شد، داکترصدیق و فوادجان آمدند باهم رفتیم به خانهٔ هدایت جان . از نارامی من خیلی افسرده شدوبرای تسلی خاطرم گفت تو که باخانواده هفت هشت سال پیش به عمره رفته ای، اینهمه دلگیرمباش، ان شاءالله سال آینده سعادت حج فرض نصیبت میشود.

فردایش مرا به ایستگاه بس نیویارک رسانیدو بامحبت فراوان بامن خدا حافظی نمودو من به ورجینیا برگشتم، اما خاطرهٔ آنهمه مهمان نوازهای صمیمانهٔ خودش، همسرعزیزش وبرادران جوانمردش هرگز ازخاطرم نمی رود.

چهارروز پیش از رفتن ابدی اش، باهم تلفونی صحبت زیاد کردیم، و وعده داد تادوسه ماه دیگر برای دیدار فرزندش به واشنگتن می آید وبه دیدن من هم خواهد آمد. آن دیدار به قیامت ماند! رحمت خداوند به روان پاکش، فردوس برین جایگاهش باد! /! محمدقوی کوشان

پروان شهرعزیز کابل، مدتی هم کوچه وهم صحبت بودیم .

علاقه اش به تحقیق وپژوهش علمی وتحریر کتب درسی و رساله های بکر علمی، خاصتا دررشتهٔ فارماکولوژی بعداعلی بود. بالاخیر روزی رسید که هردو بافتاوت وفاصلۀ چندماهی، زمانیکه پیشبردتدریس آزادمحصلان فاکولتۀ طب،به خاطر استیلاي دپیار تمتت های فاکولته توسط مشاورین روسی شوروی وقت، و سازمانی های حزبی، دچارمشکلات ودگرگونی های خارج کریکولوم درسی و مداخلات سیاسی گردید، واختناق وحبس وتروروهه را تهدیدمیکرد، وطن عزیز راترک گفتیم، ودرآغازسألهای هشتادمتواری دیار دیگران شدیم .

پوهاند داکتر دل که در افغانستان در کدر علمی فاکولتۀ طب پیش از پانزده رسالۀ علمی و کتب درسی را، تارسیدن به کرسی پوهاندی برشتهٔ تحریر آورد، ونخستین (فارماکویی) افغانی را برای معرفی وشناسای ادویهٔ معالجوی تألیف و بچاپ رسانید، در خارج وطن نیز، درایالات متحدهٔ امریکا دست ازفعالیتهای بر ثمرعلمی واجتماعی نکشید، وآثاری را به جامعهٔ افغانی برون مرزی عرضه نمود. درهمین راستا کتاب فعلی (شگفتی های خلقت دماغ) را تازه در کالیفورنیا به رشتهٔ تحریر آورده است .

علم وتکنالوژی مدرن وپژوهشهای کامپیو تری، همه روزه مطالعات و کشفیات تازه ومحیرالقولی رابرای روشن ساختن وظایف فیزولوژی دماغ انسان به عمل می آورد. همانطوریکه داکتر دل در کتاب پرمحتوای خود اشاره کرده است، دماغ انسان همیشه رو به انکشاف وتکامل بوده، تغذی لازمه و پدیده های معنوی و تمرینات فکری، تغییرات شگرفی درفعالیتهای عمیق (نورون) ها یا حجرات عصبی دماغ واردمیکند، چنانچه اخیراً متخصصین و پژوهشگران طبی، باتجربه ثابت ساختند که مراقبت وخلسه و گرایش عالی وملکوتی معنوی یا میدیتشن Meditationباعث انکشاف وتغییرات عمده درفعالیت دماغ انسان گردیده، وجریان یا سیالۀ برقی راباقدرت بیشتر وتأثیرات ماندگار در راستای دانش وتعل به میدان می آورد، و نیروی ادراک ودانایی را بلندمی برد. درهمین راستانزرد کسانیکه به تفکر ومراقبت و میدتشن گرایش دارند، تولید امواج قدرتمند گاما GAMA WAVES(فریکانس) بیشتر تثبیت گردیده است .

بهرحال، کتاب ارزشمندعلمی وتحقیقی «شگفتی های خلقت دماغ»(تألیف پروفیسر دل، که همین هفته بدستم رسید، باقطع مقبول وپشتی مصور در ۱۷۷ صفحه درموسسهٔ «پارپرنت «کالیفورنیا بچاپ رسیده است. درپشتی کتاب می خوانیم: «این کتاب شمارا ازتجربیات نوین (اهمیت غذا واجزای متممۀ آن بالای وظایف خارق العادهٔ دماغ، زادهٔ تحقیق وبررسیهای ارزشمندعلمای پیشاز این رشته، آگاهی می دهد. بامرور اجمالی این رساله ورعایت اندر زهای حکیمانه دانشمندان میتوانندقوة دماغی تانرا نیرومندترسازید، حافظۀ تانرا تقو به بخشید، خوی ومشرب تانرا بیارایید، پیمانهٔ ذهن، آموزش ودانش خویش رابلندبیرید، ازبروز ناتوانیهاوضعف روزگار پیروی جلوگیری نمایید. »

پوهاندحبیب دل درمقدمۀ کتاب چنین مینویسد : «اختراعات واكشافات کنونی جهان، ماحصل حس کنجکاوی و تاملانی است که خداوندمتعّال آنرا به مخلوق برگزیدهٔ خود، یعنی انسان به ودیعه گذاشته، وسایرحیوانات ازاین نعمت عظیم محرومند. دانشمندان، بخصوص بیالوجست هاومحققین طب از ادوار قدیم در تلاش بودند تا به شگفتهای خلقت دماغ انسان پی ببرند، راز، اسرارنهفته و حیرت انگیز این عضو که هستی، شعور، ادراک، حافظه، ابتکار، تعقل، خوی، مشرب، فراست، استدلال، شخصیت، انسانیت، عواطف، خیر وشر، خصایل و خصایص مارا تأمین ونظارت می نماید، بر ملا سازند.

درآزمان، افزار تحقیقی دانشمندان، روشهای تجربوی بسط نظری وصوروی بود، که به بینایی وتجارب محلودروانی خلاصه می شد، وباقیاسۀ سایبرشته های طب، موفقیت کمترنصب شان می گردید. دلیل آن هم وقوع دماغ بین یک محفظۀ استخوانی محکم و بی در ومنفذ بود، که دسترس به آن، برخلاف سایر اعضای بدن، مانند قلب، جگر، شش ها وگرده ها، محال بود درزمان حیات انسان آنرا برون آرند، ودرمعرض مطالعه وتحقیق قراردهند. این جستجو تنها بعد ازمرگ درکاوش های اتوپسی میسر بود، و آنهم منحصربه مشاهدۀ فزیکی دماغ میت بود، اما بررسی وظایف دماغ درزمان حیات شخص اصلاً ممکن نبود.

اینهمه دشواریهای مطالعات وظایف دماغ درطول ادوار گذشته، باختراع آلۀ توموگرافی کمپیو تری (کت سکن) در ربع اخیرقرن گذشته، که شعاع مجهول رابداخل عضو موردمطالعه ارسال واز اندرون آن معلومات لازم رابدست می آورند، رفع گردید. به تعقیب آن میتوذهای دقیق وحساستر به نام های کت سکن و(ام آر آی) و اخیر(سیکت) مورداستفادهٔ محققین قرار گرفت، که با این وسایل میتوانند اسرار وظیفوی دماغ انسان رابصورت دقیق ودلخواه مورد مطالعه قراردهند. درین مدت سه دهۀ اخیر، دانشمندان بااستفاده از افزار تحقیقی ذکر شده دراکناف جهان توجه مزید به پژوهش و بررسی اسرارنهفتهٔ دماغ معطوف داشته، ومضامین نچندان کم در مجلات ونشرات طب جهانی به منصۀ اشاعه واطلاع عامه قرار داده اند. تصمیم گرفتم تا با مرور نشرات ذکرشدهٔ دهۀ اخیر به تلبوین این مجموعه اقدام ورزم امیدوارم موردتوجه وعلاقۀ آنانی که خواستار جمع معلومات مزید درین رشته باشند، کمک ناچیز کرده باشم...)

این بودشمة از کارنامه های علمی پروفیسر داکتر حبیب دل، که در کنار تدریس محصلان وتحریر کتب درسی علمی وپژوهشی وایراد کنفرانس های سودمند، درجهان طب انجام داد. روحش درپناه رحمت ایزدی شادباد ./

زهار از عدلیه واعضاش مزن دم گر نان تو تلخ است زناوش مزن دم گر کفش گرانست ز کفاش مزن دم تا هست گیاب بره از آش مزن دم رومسخرگی پیشه کن ومطربی آموز

خواهی تو اگر در همه جاره دهندت ترفع مقام ولقب و جاه دهندت زیبا صنئی خوتر از مساه دهندت خواهی که زرو سیم شبانگاه دهندت رومسخرگی پیشه کن ومطربی آموز

خواهی که شوی محرم آن بزمه خاص دوری مکن از مطرب وباز بگرورقاص اسباب ترقی شودت کنجغه و آس خواهی که شوی زینت بزم همه اشخاص

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر= یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر= یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

محمد طاهﺎ کو شﺎن فریمونت ـ کالیفورنیا

فغان از دست افغان – فغان از دست افغان

مردی را که دعوی پیغمبری میکرد نزد معتمد بالله خلیفۀ عباسی آوردند. معتمد گفت: شهادت میدهی که تو پیغمبر احمقی هستی. گفت: آری از آنجا که بر قومی چون شما مبعوث شده‌ام. (عبید زاکانی)

درین زندگی کوتا ه ماچی هاشنیدیم و دیدیم و کشیدیم. از شاه شجاع، عبدالرحمن، نادر شاه، ظاهر شاه و داوود شاه، ندیدیم و دیدیم که با کار کردهای نابخردانه وعجولانه ومزورانه ومستبدانه چی بلا هابر سر مردم آوردندو رژیم پادشاهی را چنان بدنام ویی حیثیت و بی آبرو ساختند که از بیخ و ریشه در افغانستان برچیده شد.از ترکی، حفیظ الله، ببرک ونجیب لعنت الله علیهم اجمعین؛ دیدیم که چی کردند که تا امروز شهروندان افغانستان زجر میکشند و بد بختی را میچشند، آنها رژیم مارکسیستی راجنان بدنام ویی آبرو ویی حیث ساختند که با بازوان استوار مجاهدین افغانستان حتی از زاد گاهش نیز از بیخ و ریشه کنده شد. گل بیدین وملا اومر آخوند لعنت الله علیهم اجمعین؛ را دیدیم وشنیدیم و درد و بدبختیهای کار کردهای اینها را تا امروز میکشیم، و اینها چنان برای بدنام ساختن اسلام خدمت کردند و می کنند که حتی دشمنان اسلام بفکرش هم نمی افتند. هاغه جامد کرزی واکون اشرف عنی احمق زی (که قربان نام قبیله احمدزی میشود) را نیز شاهدیم که با دمو کراسی چه بازی های کود کانه و نایخردانه جاسوز خانه برانداز کردند و هنوز هم ادامه می دهند و شرم و حیا نیز ندارند. جملاتی از سخنان سخیف دیوانه بنام اشرف عنی احمدزی را باز بخوانید:(مه می فاقم. انتقال موجب چیست؟ انتقال از یکطرف خطر است، از یکطرف یک فرصت. خطر ده چیست؟ خطر ده اِیِس که هر کس مثل ”رووستی ورد“ واری میگه افغانستانه بانین که ده قرن سیزده بره، چه خر! افغانستان هیچوقت ده قرن سیزده نبود.داکتر صاحب عبدالله استاد محقق و(انتخبر) محمد خان ده القبای مدیریت خات رفتن نه ده صنف د کنورایش. امی جناب محقق مره بگو به که امی سرک گردن دیواله چتو میسازه! دهرهات گفته بود:تم تحول و تداوم وارث حقیقی جهاد افغانستان است؟! یک قصه گفت یک موش بود از پشک میترسید، یک پیر زمان بود پیش ازوعذر کد: گفتش پشک شو. پشک که شد از سگ میترسید. سگ ساختنی از بلنگ میترسید!بالاخره شیر که ساختش از شکاری میترسید. بالاخره پیر گفتش: دلت دل موش است . پس موش شو!)!

دردانشگاه دولتی اقتصادی ترکمنستان از کتاب تمدن گمشده [فرد ربک ستار] برای اثبات رایج بودن نوشت وخوان درین زنان منطقه (ترکمنستان) درحضور استادان دانشگاه وسفرای کشورهای متحابه تر کمنستان از همه مثالها جناب مغز متعفن رئیس جمهور مسخرۀ متقلب این داستان راگزیده و بیان کرد: (یک خانم منطقه بر شوهرش نوشته کده بود که شوهرش دوسال گم بود، به چین به تجارت رفته بود. زود پس بیا که مه ترجیح میتم که با یک گاو عروسی کنم تا با تو... ای نشان میته که علم ودانش مخصوص درین زنها کتابت رواج زیاد داشت.!) به به واه واه به اینهمه در سفته هایکه از زبان یک آدم مدعی دومین شخص متفکر درجهان است و از داستان پایان نامه داکترش نیز یک همدوره اش جناب داکر محمد جمیل حبینی برده برداشته. برای مزید آگاهی به نوشته جناب حبینی مراجعه کنید مایکل کندی جامعه شناس امریکائی ورئیس شرکت حامی پروژهٔ مشغولیت افغانستان در کنفرانس افغانستان دردانشگاه براون درس ۲۰۰۹ اشرف غنی احمدزی راجنین توصیف کرد: آرزو داشتم تعداد زیادی متل توجود میداشت. چقدر زیبا! ببیند او چگونه دستها، چشمهاو انگشت های کبوتری و درخور ستایش خود را حرکت می دهد!“

در کنفرانس ۲۰۰۸ در انستیتوت بروکینگز، “خضر ابراهیمی” –نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد در امور افغانستان در حضور احمدزی در مورد وی چنین نظر داد: “این واقعا یک تجربه بود که باو در افغانستان برای دوسال تمام همکاری داشتم. همکاری باوورا میتوانم در قالب یک مثال برای شما شرح دهم: بادیتهشینی بود که تلاش می کرد بر شتر خود بار بیشتری بگذارد. او وسائل مورد نظر رایکی پس از دیگر در پشت شتر میگذاشت. نهایتاً امر، با یک کیسه بزرگ آمد و گفت “تمیدانم اینراهم بگذارم یا نه؟!” شتر بر گشت و گفت “من که از جایم نمی توانم بر خیزم، اینراهم بگذار.” قصه اشرف غنی مانند همان شخص است. تنها تفاوت اینست که او خواهان بر خاستن شتر است. برای شرح و خواندن بیشتر به سایت زاهدان پرس مراجعه فرمایید.

در گزینش نخچیان برای احراز کرسی وزارت ها بیشتر از سه ماه این مغز متعفن با یک یک از شخصیتها به گفته خودش شخصا گفت و گو کرده و چی گل های بابونه را دستچین و به پارلمان معرفی نمود.

اکنون بر میگردیم به مسئله آبرو وحیثیت افغانستان در مجامع بین المللی: ما شخصیتهای همچون روانشاد سید شمس الدین خان مجروح داشتیم روانشاد استاد عبدالرحمن پژواک داشتیم؛ روانشاد محمد یوسف داشتیم. روانشاد استاد خلیل الله خان خلیلی داشتیم. روانشاددا کتر محمد یوسف داشتیم و روانشاد محمد هاشم میوندال شهید داشتیم بر علاوه دیگر بزرگان ونخبگان؛ همه سخندان سخن سنخ موقع شناس با نزاکت وقار هیچگاهی ازین شخصیتها کسی بیاد ندارد که در مجامع دانشگاهی و سیاسی و بین المللی جهانی یک حرف بی سنجش و حرکت نامناسب گفته یا کرده باشند. در هر جاومقام آنها آئینه تمام نمای افتخارات تاریخ تمدن ودانش پنجهزار ساله این سرزمین بودند پیش از خود و شخص خود آبرو حیثت وقار مین شان ارزش داشت. این ملت را چه شده و چه بلای برسراین مردم آمده که این چنین یک آدم بیوقار ویی ثبات ومتقلب و مداری: سرنوشت میهن و هم میهنان را در دست بگیرد.

ادیب این دبستانم سرو کارم به طفلان است

بزرگی را چه قصصان گر سخن طفلانه می گویم.(۴) جوانان شاهها کجایید؟ دانش و بینش وخرد و اندیشه شما کجاست؟برخیزید و این معجون مرکب بی خاصیت نو کرآی اس آی را ازاریکه قدرت پایبین بکشید ومگذاریدیش ازین آبرو وحیثت وقار شهروندان افغانستان و تاریخ پرشکوه ما به مسخرگی گرفته شود .

هرچند که ریش توسفیدست وقدت خم رندانه بز ن چنگ بر آن طره خم خم از دولت مشروطه شدی میر مفخم ای ارفع و ای امجد و ای اکرم وافخم رومسخرگی پیشه کن ومطربی آموز (ص ۸)

لیسہٴ عالی حبیہ

تلفون ٥٧١-٤٣٥-٤٦٠٤
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

BANK OF AMERICA

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم

P.O. BOX 3131

SAN RAMON, CA 94583

www.panahcharity.org

rbenish@panahcharity.org

501c(3)

ش. کفن ضد

مرکب یک وبسایت اقدام به تبلیغ و فروش کفنه‌های ضد آتش برای



**Adam; "Cennete
değişmem saçının tek
telini" diyor!
Cehennemi görse
kadının kafasında saç
bırakmaz haberi yok!**

Cübbeli Ahmed Hoca

سالانه ۶ هزار افغان در اثر سرطان می میرند
۴ فیروزی / کابل - پی پی سی: فیروز الدین فیروز، وزیر صحت میگوید بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی سالانه حدود ۲۰ هزار نفر در افغانستان به بیماری سرطان مبتلا میشوند و از بین میان ۱۶ نفر بر اثر ابتلا به این بیماری جان میدهند. او که به مناسبت روز جهانی سرطان (چهارم فیروزی) در کابل سخن می گفت، افزود یکی از راههای جلوگیری از این بیماری اطلاع رسانی است که می تواند در جلوگیری، تشخیص به موقع، مداوا و مراقبت از بیماری موثر باشد. گزارش سازمان بهداشت جهانی نشان میدهد که از هر ۳۵۰۰ مورد سرطان در میان زنان بیش از ۳۱۰۰ مورد سرطان سینه است و بیش از ۸۰۰ مورد سرطان رحم. در میان مردان نیز از هر ۳۵۰۰ مورد، بیش از ۱۰۰ مورد سرطان معده دیده شده و بعد از آن سرطان مری.

فهم یک مسئول مرکز ویزای هند میگوید روزانه ۳۰۰ نفر برای دریافت ویزای این کشور مراجعه میکنند که مصاحبه با این افراد نشان میدهد نزدیک به ۷۰٪ شان برای درمان به هند سفر میکند.

بیشترین افراد گفته اند به مراکز درمانی که در زمینه تشخیص و درمان سرطان در داخل افغانستان فعال اند، چه بخش خصوصی و چه بخش دولتی اعتماد ندارند. شفیق ظفرزی، نماینده انجمن سرطان افغانستان میگوید بدلیل عدم حمایت دولت از پزشکانش که با هزینه شخصی شان در خارج از کشور شیوه های تشخیص و درمان سرطان را فرا گرفته اند، اکنون این افراد با یکبارند و یا هم به صورت نامنظم به کار مشغول کارند.

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**

۳۰ جنوری/واشنگتن - صدای امریکا: سیکار در تازه ترین گزارش خود نوشت کانگرس ایالات متحده تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۴ بیش از ۶۵ میلیارد دلار به نیروهای امنیتی افغان اختصاص داده است. ایالات متحده تا پایان سال ۲۰۱۴ متعهد به پرداخت ۳۴٫۸ میلیارد دلار به اردوی ملی افغانستان شد و ۳٫۷ میلیارد دلار را در بخش ساختن، آموزش، تجهیز و مراقبت ازارش آنکشور به صرف رسانده است.

پیام های تبریک به وزیر امور خارجه تازه

پوری / کابل - تلویزیون نور: محمد جواد ظریف وزیر امور خارجہ

سرتاج عزیز مشاور امور بین المللی و امنیت ملی نخست وزیر پاکستان، نیز در می به مناسبت انتخاب صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان وزیر امور خارجه کشور، ابرار امیدواری کرد که با این گزینش در رابطه حساس کنونی، مناسبات دو کشور برادر و همسایه بیشتر از پیش تقویت گردد. سرتاج عزیز در این پیام، از وزیر خارجه کشور دعوت کرد که در اولین صحت مناسبت، از اسلام آباد دیدار کند.

بودجه سال مالی ۱۳۹۴ تصویب شد

۱۳۴۳ ۱۳۴۲ ۱۳۴۱ ۱۳۴۰ ۱۳۳۹ ۱۳۳۸ ۱۳۳۷ ۱۳۳۶ ۱۳۳۵ ۱۳۳۴ ۱۳۳۳ ۱۳۳۲ ۱۳۳۱ ۱۳۳۰ ۱۳۲۹ ۱۳۲۸ ۱۳۲۷ ۱۳۲۶ ۱۳۲۵ ۱۳۲۴ ۱۳۲۳ ۱۳۲۲ ۱۳۲۱ ۱۳۲۰ ۱۳۱۹ ۱۳۱۸ ۱۳۱۷ ۱۳۱۶ ۱۳۱۵ ۱۳۱۴ ۱۳۱۳ ۱۳۱۲ ۱۳۱۱ ۱۳۱۰ ۱۳۰۹ ۱۳۰۸ ۱۳۰۷ ۱۳۰۶ ۱۳۰۵ ۱۳۰۴ ۱۳۰۳ ۱۳۰۲ ۱۳۰۱ ۱۳۰۰ ۱۲۹۹ ۱۲۹۸ ۱۲۹۷ ۱۲۹۶ ۱۲۹۵ ۱۲۹۴ ۱۲۹۳ ۱۲۹۲ ۱۲۹۱ ۱۲۹۰ ۱۲۸۹ ۱۲۸۸ ۱۲۸۷ ۱۲۸۶ ۱۲۸۵ ۱۲۸۴ ۱۲۸۳ ۱۲۸۲ ۱۲۸۱ ۱۲۸۰ ۱۲۷۹ ۱۲۷۸ ۱۲۷۷ ۱۲۷۶ ۱۲۷۵ ۱۲۷۴ ۱۲۷۳ ۱۲۷۲ ۱۲۷۱ ۱۲۷۰ ۱۲۶۹ ۱۲۶۸ ۱۲۶۷ ۱۲۶۶ ۱۲۶۵ ۱۲۶۴ ۱۲۶۳ ۱۲۶۲ ۱۲۶۱ ۱۲۶۰ ۱۲۵۹ ۱۲۵۸ ۱۲۵۷ ۱۲۵۶ ۱۲۵۵ ۱۲۵۴ ۱۲۵۳ ۱۲۵۲ ۱۲۵۱ ۱۲۵۰ ۱۲۴۹ ۱۲۴۸ ۱۲۴۷ ۱۲۴۶ ۱۲۴۵ ۱۲۴۴ ۱۲۴۳ ۱۲۴۲ ۱۲۴۱ ۱۲۴۰ ۱۲۳۹ ۱۲۳۸ ۱۲۳۷ ۱۲۳۶ ۱۲۳۵ ۱۲۳۴ ۱۲۳۳ ۱۲۳۲ ۱۲۳۱ ۱۲۳۰ ۱۲۲۹ ۱۲۲۸ ۱۲۲۷ ۱۲۲۶ ۱۲۲۵ ۱۲۲۴ ۱۲۲۳ ۱۲۲۲ ۱۲۲۱ ۱۲۲۰ ۱۲۱۹ ۱۲۱۸ ۱۲۱۷ ۱۲۱۶ ۱۲۱۵ ۱۲۱۴ ۱۲۱۳ ۱۲۱۲ ۱۲۱۱ ۱۲۱۰ ۱۲۰۹ ۱۲۰۸ ۱۲۰۷ ۱۲۰۶ ۱۲۰۵ ۱۲۰۴ ۱۲۰۳ ۱۲۰۲ ۱۲۰۱ ۱۲۰۰ ۱۱۹۹ ۱۱۹۸ ۱۱۹۷ ۱۱۹۶ ۱۱۹۵ ۱۱۹۴ ۱۱۹۳ ۱۱۹۲ ۱۱۹۱ ۱۱۹۰ ۱۱۸۹ ۱۱۸۸ ۱۱۸۷ ۱۱۸۶ ۱۱۸۵ ۱۱۸۴ ۱۱۸۳ ۱۱۸۲ ۱۱۸۱ ۱۱۸۰ ۱۱۷۹ ۱۱۷۸ ۱۱۷۷ ۱۱۷۶ ۱۱۷۵ ۱۱۷۴ ۱۱۷۳ ۱۱۷۲ ۱۱۷۱ ۱۱۷۰ ۱۱۶۹ ۱۱۶۸ ۱۱۶۷ ۱۱۶۶ ۱۱۶۵ ۱۱۶۴ ۱۱۶۳ ۱۱۶۲ ۱۱۶۱ ۱۱۶۰ ۱۱۵۹ ۱۱۵۸ ۱۱۵۷ ۱۱۵۶ ۱۱۵۵ ۱۱۵۴ ۱۱۵۳ ۱۱۵۲ ۱۱۵۱ ۱۱۵۰ ۱۱۴۹ ۱۱۴۸ ۱۱۴۷ ۱۱۴۶ ۱۱۴۵ ۱۱۴۴ ۱۱۴۳ ۱۱۴۲ ۱۱۴۱ ۱۱۴۰ ۱۱۳۹ ۱۱۳۸ ۱۱۳۷ ۱۱۳۶ ۱۱۳۵ ۱۱۳۴ ۱۱۳۳ ۱۱۳۲ ۱۱۳۱ ۱۱۳۰ ۱۱۲۹ ۱۱۲۸ ۱۱۲۷ ۱۱۲۶ ۱۱۲۵ ۱۱۲۴ ۱۱۲۳ ۱۱۲۲ ۱۱۲۱ ۱۱۲۰ ۱۱۱۹ ۱۱۱۸ ۱۱۱۷ ۱۱۱۶ ۱۱۱۵ ۱۱۱۴ ۱۱۱۳ ۱۱۱۲ ۱۱۱۱ ۱۱۱۰ ۱۱۰۹ ۱۱۰۸ ۱۱۰۷ ۱۱۰۶ ۱۱۰۵ ۱۱۰۴ ۱۱۰۳ ۱۱۰۲ ۱۱۰۱ ۱۱۰۰ ۱۰۹۹ ۱۰۹۸ ۱۰۹۷ ۱۰۹۶ ۱۰۹۵ ۱۰۹۴ ۱۰۹۳ ۱۰۹۲ ۱۰۹۱ ۱۰۹۰ ۱۰۸۹ ۱۰۸۸ ۱۰۸۷ ۱۰۸۶ ۱۰۸۵ ۱۰۸۴ ۱۰۸۳ ۱۰۸۲ ۱۰۸۱ ۱۰۸۰ ۱۰۷۹ ۱۰۷۸ ۱۰۷۷ ۱۰۷۶ ۱۰۷۵ ۱۰۷۴ ۱۰۷۳ ۱۰۷۲ ۱۰۷۱ ۱۰۷۰ ۱۰۶۹ ۱۰۶۸ ۱۰۶۷ ۱۰۶۶ ۱۰۶۵ ۱۰۶۴ ۱۰۶۳ ۱۰۶۲ ۱۰۶۱ ۱۰۶۰ ۱۰۵۹ ۱۰۵۸ ۱۰۵۷ ۱۰۵۶ ۱۰۵۵ ۱۰۵۴ ۱۰۵۳ ۱۰۵۲ ۱۰۵۱ ۱۰۵۰ ۱۰۴۹ ۱۰۴۸ ۱۰۴۷ ۱۰۴۶ ۱۰۴۵ ۱۰۴۴ ۱۰۴۳ ۱۰۴۲ ۱۰۴۱ ۱۰۴۰ ۱۰۳۹ ۱۰۳۸ ۱۰۳۷ ۱۰۳۶ ۱۰۳۵ ۱۰۳۴ ۱۰۳۳ ۱۰۳۲ ۱۰۳۱ ۱۰۳۰ ۱۰۲۹ ۱۰۲۸ ۱۰۲۷ ۱۰۲۶ ۱۰۲۵ ۱۰۲۴ ۱۰۲۳ ۱۰۲۲ ۱۰۲۱ ۱۰۲۰ ۱۰۱۹ ۱۰۱۸ ۱۰۱۷ ۱۰۱۶ ۱۰۱۵ ۱۰۱۴ ۱۰۱۳ ۱۰۱۲ ۱۰۱۱ ۱۰۱۰ ۱۰۰۹ ۱۰۰۸ ۱۰۰۷ ۱۰۰۶ ۱۰۰۵ ۱۰۰۴ ۱۰۰۳ ۱۰۰۲ ۱۰۰۱ ۱۰۰۰ ۹۹۹ ۹۹۸ ۹۹۷ ۹۹۶ ۹۹۵ ۹۹۴ ۹۹۳ ۹۹۲ ۹۹۱ ۹۹۰ ۹۸۹ ۹۸۸ ۹۸۷ ۹۸۶ ۹۸۵ ۹۸۴ ۹۸۳ ۹۸۲ ۹۸۱ ۹۸۰ ۹۷۹ ۹۷۸ ۹۷۷ ۹۷۶ ۹۷۵ ۹۷۴ ۹۷۳ ۹۷۲ ۹۷۱ ۹۷۰ ۹۶۹ ۹۶۸ ۹۶۷ ۹۶۶ ۹۶۵ ۹۶۴ ۹۶۳ ۹۶۲ ۹۶۱ ۹۶۰ ۹۵۹ ۹۵۸ ۹۵۷ ۹۵۶ ۹۵۵ ۹۵۴ ۹۵۳ ۹۵۲ ۹۵۱ ۹۵۰ ۹۴۹ ۹۴۸ ۹۴۷ ۹۴۶ ۹۴۵ ۹۴۴ ۹۴۳ ۹۴۲ ۹۴۱ ۹۴۰ ۹۳۹ ۹۳۸ ۹۳۷ ۹۳۶ ۹۳۵ ۹۳۴ ۹۳۳ ۹۳۲ ۹۳۱ ۹۳۰ ۹۲۹ ۹۲۸ ۹۲۷ ۹۲۶ ۹۲۵ ۹۲۴ ۹۲۳ ۹۲۲ ۹۲۱ ۹۲۰ ۹۱۹ ۹۱۸ ۹۱۷ ۹۱۶ ۹۱۵ ۹۱۴ ۹۱۳ ۹۱۲ ۹۱۱ ۹۱۰ ۹۰۹ ۹۰۸ ۹۰۷ ۹۰۶ ۹۰۵ ۹۰۴ ۹۰۳ ۹۰۲ ۹۰۱ ۹۰۰ ۸۹۹ ۸۹۸ ۸۹۷ ۸۹۶ ۸۹۵ ۸۹۴ ۸۹۳ ۸۹۲ ۸۹۱ ۸۹۰ ۸۸۹ ۸۸۸ ۸۸۷ ۸۸۶ ۸۸۵ ۸۸۴ ۸۸۳ ۸۸۲ ۸۸۱ ۸۸۰ ۸۷۹ ۸۷۸ ۸۷۷ ۸۷۶ ۸۷۵ ۸۷۴ ۸۷۳ ۸۷۲ ۸۷۱ ۸۷۰ ۸۶۹ ۸۶۸ ۸۶۷ ۸۶۶ ۸۶۵ ۸۶۴ ۸۶۳ ۸۶۲ ۸۶۱ ۸۶۰ ۸۵۹ ۸۵۸ ۸۵

در این طرح بودجه که به تصویب مجلس نمایندگان رسید، هر چند مصارف است اجرائی و مشاوریت اقتصادی رئیس جبهه‌نویز در نظر گرفته شده بود؛ مجلس تا زمان تصویب تشکیل این دو نهاد از سوی شورای ملی بودجه آن را حالت تعلیق قرار داد.

تاکید ریاست اجرایی بر اصلاحات انتخاباتی

جنوری / کابل - تلویزیون نور: مطابق قانون، باید انتخابات مج

در موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی بر اصلاحات در نظام انتخاباتی یکدیگر شده است؛ اما با گذشت نزدیک به چهار ماه از تشکیل این حکومت، از اصلاحات در نظام انتخاباتی خبری نیست. ریاست اجرایی حکومت میگوید به اسام موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی، بزودی کمیسیون مشترک هدف اصلاحات در نظام انتخاباتی ایجاد خواهد شد. به گفته سخنگوی ریاست رای، پیش از آوردن اصلاحات لازم در نظام انتخاباتی هر تلاشی که در راستای برگزاری انتخابات انجام شود، برای مردم قابل پسند نخواهد بود.

درمواظتنامه حکومت وحدت ملی بر تعدیل در قانون اساسی تأکید شده است؛ اما بدون برگزاری انتخابات شوراها و ولسوالی، برگزاری لوی جرگه برای تعدیل قانون اساسی ناممکن است. حالا دیده شود که چه زمانی اصلاحات نظام انتخاباتی به میان می آید و حکومت به وعده هاییکه برای اصلاحات در ام انتخاباتی به مردم داده است چه زمان عمل خواهد کرد ؟